

شماره بیست و یکم

شماره
۲۹

۶
ریال

سال دوم



تأمین کنگره سینمایی ایران، افتخارات ما را در سال گذشته تکمیل نمود

بدینال یکسال فعالیت مداوم هنری و فرهنگی، سعی نمودیم مباحثی که سال گذشته در این انجمن درخشانترین عمل در تاریخ هنر سینما یعنی تشکیل کنگره سینمایی ایران بپایان رسانده و دو کتاب خدمات و زحمات شبانه روزی خود، فصل جدید و بی سابقه ای گشودیم -

اقدام تشکیل این کنگره، در تعقیب هدف و آرمان مقدسی که تشویق از صنعت جوان سینمای ایران و تقدیر از هنر- نمائیهای هنریستگان و ستارگان با استعداد و خوش قریحه این کشور باستانی بود صورت گرفت تا بدینوسیله ایرانی مستعد و ذریک نیز از کادوان تمدن و هنریستروی جهانی عقب نمانده و در معرض فتنات و داوودان این مؤسسه، فرآورده هائی را عرضه کند که در شان این ملت کهنسال باشد.

مجله ستاره سینمایی مقتضای مقتضاست که بکلیک و مساضت قابل تقدیر نویسنده جوان و فاضل خود آقای سیامک یوز زنده توانست این قدم بزرگ را در راه عملی کردن آمال و آرزوهای دوستداران و علاقمندان فیلمهای ایرانی برداشت و بهره این عمل خطیر را با موفقیت تام و تمامی نصیب خود و کلا کناش نماید.

اگر بخواهیم بگوئیم که در راه عملی کردن این ایده مقدس چه خدماتی را متحمل گشت و چه رنجهایی را بر خود هموار نموده ایم سخن بدادها میکند و این امر اصولاً با هدف عالی و سوگندی که ما در بدو انتشار مجله مینی بر خدمت بعالم هنر و اعتلاء مقام هنرمند کرده ایم مبیانت دارد ولی ناگزیر از بیان این حقیقت هستیم که ما بنیان گذار و مؤسس کنگره ای گشتیم که تا ایران و ایرانی در عرصه گیتی وجود داشته باشند حافظ و نگهبان هنرمندان این سرزمین و ضامن ترقی و تمالی آثار هنری آنها خواهد بود.

مبادرت بپیر قرادای فستیوال با شکوهی جهت نمایش فیلمهای ایرانی که تازه تهیه آنها پایان یافته و استودیوهای سازنده آن حتی حاضر نبودند یک کله و لاجم با آنها سخن بگویند و کوچکترین اطلاعی در دسترس خبرنگاران جراید بگذارند و بالاخره تهیه سالن نمایش و به- تیت رسانیدن این کنگره، کسب اجازه نمایش فیلمها از طرف وزارت کشور، دعوت از هنرمندان نامی و با سابقه و در مرحله آخر، تشکیل هیئت ژوری از میان

ذوات معنوی که در راه تشکیل و انعقاد این کنگره و برگزینی این فستیوال با شکوه با مجله ستاره سینما همکاری نموده اند سینما سیاستگرادی نموده و بویژه از همکاری از چند خود آقای سیامک یوز زنده کمال تشکر و امتنان را داشته و از درگاه ایوب متعال مسئلت دارم که موسم خدمتگزاران عالم هنر و فرهنگ را در انجام خدمت بعالم هنر، موفق و کلاه یاب بدارد.

محبوبترین و هنرمندترین گاسبکه وارد در جهان سینما بودند برای تعیین بهترین فیلمها محبوبترین ستارگان و هنریستگان و بالاخره زنده ترین تهیه کنندگان و کارگردانان و بر جسته ترین اشخاصی که در تهیه یک فیلم شرکت داشتند، گوشه ای از اقدامات و فعالیتهای شبانه روزی این مجله بود که بحق می توان گفت فست اعظم این زحمات را دوست عزیز و همفلم معترمان آقای یوز زنده متحمل گشته و برای سر بلندی و اعتلاء نام مجله و هیئت تحریریه آن از بدل هیچگونه مساعدت و کمک در رخ نکردند.

این عمل بی سابقه در تاریخ سینمای ایران مبداء تحول شگرفی در صنعت فیلم- برداری داخلی شد بطوریکه مدیران و صاحبان استودیو ها را بر آن داشت که دیگر در تهیه فیلم- تصد تجارت را کنار گذاشته و بمعنای حقیقی مبادرت به تهیه فیلم نمایند. کنگره سینمایی ایران جنب و جوش عجیبی در محافل هنری بوجود آورد و سبب گردید که استودیو ها مسایب فیلمهای آماده بنمایش خود را مرتفع ساخته و محصول بهتری به دست داوودان این کنگره عرضه بدارند لذا با درخواست همگی آنها جهت تمدید مدت برای شرکت در فستیوال فیلمهای ایرانی موافقت شد و تاریخ انعقاد مجدد این جشن و اعلام نتیجه این فستیوال باشکوه و عظیم باوآخر فروردین ماه موقوف گشت.

در خاتمه مدیریت مجله ستاره سینما و هیئت تحریریه از کلیه آقایان معترم و



دارنده امتیاز و مدیر: پ. گالتیان
سر دبیر: امیر حسین فرهنگ
سال دوم - شماره ۲۹ - چهارشنبه ۲۳
فروردین ماه ۱۳۳۴
محل اداره: خیابان منوچهری پاساژ لعل
تک شماره ۶ ریال

عکس روی جلد
ایوان دو کارلو

شرکت سهامی چاپ کمر

مپیامگزاری و تشکر

هیئت تحریریه و کلیه کارکنان مجله ستاره سینما مراتب امتنان و تشکر بی پایان خود را بعضو خواننده گان عزیز و کلیه هنرمندان و هنریستگان و مدیران استودیو ها و نمایندگان معترم شهرستان ها که با ارسال کلاز تبریک سال جدید و تبریک گفته اند معروض داشته و موفقیت و شادکامی آنها را از صمیم قلب مسئلت دارم.

سر دبیر جدید ما

با کمال خوشوقتی با اطلاع خواننده گان عزیز می رسایم که از این شماره سر دبیری مجله بعهده آقای امیر حسین فرهنگ که از نویسندگان با ذوق و خوش قریحه کشور و از پیشقدمان انتشار مجله سینمایی در ایران بوده اند محول گردیده است. امیدواریم با تشریک مساعی ایشان مجله ستاره سینما بیش از پیش بتواند در انجام تقاضاها و نظریات خواننده گان با ذوق خود توفیق حاصل نماید.

هیئت تحریریه

فالگوش

اخبار تازه‌ای در باره عوارض
چهل درصد

ماجرای عوارض چهل درصد
شهرداری که مدتی در بوته اجمال افتاده
بود دوباره مسئله روز استودیوها گردیده
است. آخرین اخبار در این باره حاکیست
پس از آنکه استودیوها از شهرداری
تهران ناامید شدند بیازرسی نخست وزیری
شکایت کردند و این بازرسی پس از
رسیدگی، گزارش کلاخود را بدفتر نخست
وزیر ارسال نموده و اکنون تمام استودیوها
منتظر رسیدگی کامل باین موضوع و
تخفیف عوارض میباشند.

عطاءالله زاهد کارگردانی يك
فیلم فارسی را بعهده گرفته است

«بوسه مادر» نام فیلمیست که اخیراً
استودیوی مصرطلامی شروع به تهیه آن نموده
و مقداری از آنرا نیز برداشته است.
داستان این فیلم از روی نمایشنامه
«سیویل» که در تهران نمایش داده شده
اقتباس گردیده و «بوسه مادر» نام گرفته
است در این فیلم يك سری از هنرپیشگان
نامدار ایرانی بازی خواهند کرد که
بترتیب عبارتند از شهلا - مهدوی - دهبیم
سوسن - قدکچیان - کرسی و عده‌ای
دیگر... کارگردانی این فیلم را عطاءالله
زاهد بعهده دارد و «بوسه مادر» اولین
فیلمی خواهد بود که وی کارگردانی
خواهد کرد اما بطوریکه خوانندگان در
این عکس ملاحظه میفرمایند نه سوسن
شبهاتی بمادر دارد نه مهدوی شبهاتی به
سرا و شاید این عکس مربوط به يك صحنه
عشقی این فیلم باشد که ما از آن اطلاعی نداریم

فیلم ایتالیا و شرکت زربنه متصدی دوبله
فیلمهای ایتالیایی فارسی در گرفته که فیلم
«موسولینوی راهزن» وجه المصالحه آن
گردیده و جریان آن بدین قرار است که
قرارداده فروش فیلم «آنا» به نسبت ۵۰
درصد با استودیوی لوکس تقسیم
کرد اما پس از آنکه نماینده استودیوی
مزبور مدتی پیش بایران آمد حس کرد در
صورت حسابها دستبردگی پیدا شده همین
جهت بعد از اعتراض به «دم» مراجعت
نمود و گزارش کار خود را به استودیو
لوکس فیلم داد روی همین اصل «لوکس
فیلم» از صدور فیلم «موسولینوی راهزن»
با شرکت «سیلوانامنگانو» و «آمدمو
ناتزادی» که از مدتی پیش در ایتالیا
بفارس بر گردانده شده جلوگیری نمود
قرار بر این شد که شرکت مزبور حق
«لوکس فیلم» را در مورد فیلم «آنا»
بپردازد تا استودیوی مزبور با صدور فیلم
مزبور بایران موافقت نماید امیدواریم
که بزودی رفع اختلاف بعمل آمده و فیلم
مزبور که از هر نقطه نظر جالب میباشد
بایران وارد و در معرض تماشای علاقمندان
گذاشته شود.



حسین دانشور

دانشور يك مسافرت مجهول
و هر روز میرود!

حسین دانشور همیشه محبوب روز
گذشته با اتفاق آقای شبان مدیر استودیو
کاروان فیلم بصوب ایتالیا رهسپار گردید
تا چند صباحی را در آندبار در جوار
مهرویان ایتالیایی بسر برد دانشور که
اکنون قراردادی با استودیو کاروان فیلم
منقد کرده تا یکماه دیگر برای بازی در
یکی از فیلم های این استودیو بایران
مراجعت خواهد کرد و با احتمال یقین
مسافرت يك ماهه وی با ایتالیا نیز مربوط
باین فیلمست اما مخبر کنجکا و ما با همه
زرنگیش نتوانست بفهمد که دانشور برای
چه امری به این مسافرت میرود و در مقابل
اصرار مخبر نیز مانند همیشه وی لبخند
معنی داری زده و گفت انشاءالله بعدها
متوجه خواهید شد دانشور که با بازی
در فیلمهای «شرمسار» و «مستی عشق»
محبوبیت زیادی در ایران کسب نموده
تصمیم دارد با بازی در فیلم آینده اش که
بتوسط سامول خاچیکیان کارگردانی
میشود منتهای سعی و کوشش خود را بکار
برد و با سابقه ای که دانشور در این راه دارد
امید میرود که در این مورد موفقیت زیادی
کسب نموده و فیلم آینده اش در ردیف
بهترین فیلمهای سال محسوب گردد.

«فیلم سیلوانامنگانو» وجه
المصالحه اختلاف بین ایران و
ایتالیا شده است!

اخیراً اختلافی بین استودیو لوکس



«مهدوی» و «سوسن» در صحنه‌ای از فیلم «بوسه مادر»

اعلام خطر به صنعت فیلمبرداری ایران

امری بدیہی است که صنعت سینما در عصر حاضر یکی از مهمترین صنایعی است که منافع بیحد مالی در بر دارد. بعلاوه برای اینکه آسان ترین و مؤثرترین وسیله ترقی معلومات تربیتی - اجتماعی و اخلاقی عموم مردم بخصوص طبقهٔ یسواد میباشد سرآمد سایر شعب صنعت بوده و علت آن واضح است زیرا فیلم، زبانی بین المللی است که فهم آن برای تمام طبقات مردم آسان است.

فیلم، به گذشته و حال و آینده دست انداخته اوراق فراموش شده تاریخ را زنده و زبیبائی حقیقی طبیعت را جلوه گر میسازد. گذشته از اینها بمباحث مختلف جغرافیائی - صنعت - علوم - تربیت اجتماعی و اخلاقی ملل مختلف وارد میشود و در ضمن، شوقی در مردم برای زندگی بهتر و عالیتری ایجاد مینماید. با اهمیتتر از همه اینکه فیلم یکی از بهترین و جدیدترین وسائل تفریح برای مردم مشرق زمین بخصوص ایران میباشد که وسائل تفریحی و تربیتی از قبیل اپرا - کنسرت - تماشاخانهٔ خوب - موزم - نمایشگاه - باغ های عمومی کنفرانسهای سخنرانی و غیره خیلی محدود است. بادر نظر گرفتن تمام این جنبه های مهم فیلمبرداری، کلیه دول دنیا توجه خاصی به صنعت فیلمبرداری ملی خود مبذول نموده بهترین سعی خود را برای تقویت صنعت فیلمبرداری خویش اعمال مینمایند.

برای مثال

صنعت فیلمبرداری در آمریکا سومین صنعت عمده بشمار میرود که چند میلیارد دلار سرمایه در آن بکار افتاده و یکی از مهمترین عوامل درآمد از ممالک خارجی برای آمریکا میباشد.

انگلستان، بیست سال پیش سیزده هزار پوند سالیانه نصیب درآمد از صنعت فیلمبرداری ملی خود داشت و دولت سعی مینمود این نصیب را هر طور شد، بر طرف نماید. روسیه شوروی نظر بسامی فراوانی که در این راه مبذول داشته ترقی شایانی نموده است و سینماهای خود را از دو هزار به پنج هزار و محصول فیلمبرداری سالیانه خود را از ۱۲۵ فیلم به هزارها فیلم افزایش داده است. هندوستان در ظرف ۱۶ سال سینماهای خود را از ۶۰۰ به ۱۲۰۰ و محصول فیلمبرداری سالیانه خود را از ۱۲۰ فیلم به هزارها ترقی داده

است. همچنین سایر ممالک غرب و شرق، جای تأسف است که هیچ مملکتی تا کنون ۴ درصد عوارض از محصول فیلمبرداری داخلی خود نگرفته جز شهررداری ایران.

صنعت فیلمبرداری ایران

صنعت فیلمبرداری در ایران امروزه مراحل ابتدائی را طی میکند و رو به ترقی است گرچه ترقی آن نظر به کمی سرمایه و محدود بودن متخصصین فیلمبرداری خصوصاً تکنیسین ها و دستگاهها و لوازم خوب خیلی کند و سخت انجام میگردد. سرمایهٔ عمدهٔ شرکت های فیلمبرداری ایران در حال حاضر از پولهای تشکیل میشود که بر بجز زیاد از سرمایه داران قرض گرفته شده! هر شرکت فیلمبرداری برای بر آوردن مخارج خود مجبور است درآمد کافی داشته باشد تا بتواند خود را نگهداشته و فیلمهای بهتر و هائیتز تهیه نماید بخصوص که در ظرف یکسال، تمام استودیوها باید بدستگاههای جدید سینما برای نمایش فیلمهای سینما سکوپ مجهز شوند و گرنه با خطر بسته شدن مواجه خواهند شد.

از همه مهمتر اینکه صنعت فیلمبرداری ملی ما باید طوری توسعه یابد که بتواند فیلم نیز صادر کند و از این راه تا اندازه ای جبران پولی که برای وارد نمودن فیلمهای خارجی از مملکت بیرون میرود بشناید که این خود نیز مسئله اقتصادی مهمی را برای دولت تشکیل میدهد.

مالیات دولت از سینماها

صنعت فیلمبرداری ایران میتواند سالیانه حداکثر ۱۰ فیلم تهیه کند که در صورت اخذ ۴ درصد عوارض، چهار تا پنج میلیون ریال از این راه نصیب شهررداری میشود در حالیکه اگر این مالیات به ۱۵ درصد تقلیل داده شود درآمد مربوطه برای دولت به بیش از یک و نیم تا دو میلیون ریال بالغ نخواهد شد. طبعاً این اختلاف فاحش اهمیت زیادی در درآمد دولت خواهد داشت ولی نباید فراموش نمود که چنین مالیات گزافی ممکن است انسر فوق العاده نامطلوبی در صنعت فیلمبرداری ملی ما که در مراحل ابتدائی است داشته باشد.

خطراتی که از این راه نصیب صنعت ملی ما خواهد شد

۱ - نداشتن درآمد کافی ممکن است شرکت های فیلمبرداری را مجبور به تعطیل نماید و چنانچه چنین امری تحقق یابد بالغ بر ۵۰۰ نفر که از این صنعت بخصوص امراد معاش مینمایند و با تعداد خانوادشان

تقریباً ۲۰۰۰ نفر میشوند بیکار خواهند شد. ۲ - مردم ما از دیدن فیلم های ایرانی که از زندگی خود آنها تهیه شده و به احساسات و فهم آنها نزدیکتر است محروم خواهند شد.

۳ - تربیت اجتماعی و ارشاد طبقات عام از طریق فیلم های خودمان از بین خواهد رفت. ۴ - صدور فیلم های ایرانی برای معرفی تاریخ و جغرافی و زندگی مردم ایران دیگر میسر نخواهد شد و نخواهیم توانست پولهایی را که برای خرید فیلمهای خارجی میدهیم از جای دیگر جبران نماییم.

۵ - با تعطیل شدن صنعت فیلمبرداری ملی ما میلیون ها ریال پولی که صرف خرید و وارد نمودن اسباب های فیلمبرداری شده بدون استفاده خواهد ماند و دستگاهها زنگ زده از کار خواهد افتاد.

پیشنهادهای

اینجانب بادر نظر داشتن مسائل مهم فوق و خطراتی که از تعطیل شدن غم انگیز صنعت فیلمبرداری ملی ما پیدا خواهد شد به نمایندگان محترم مجلس پیشنهاد مینمایم که مسئله عوارض از فیلم را در اولین فرصت در دستور مجلس قرار دهند و تصمیم قطعی در این باره اتخاذ نمایند و صنعت فیلمبرداری ما را از خطر سقوط و انهدام نجات دهند که از جنبه های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و داخلی فوق العاده اهمیت دارد. به عقیدهٔ ناچیز بنده، تقلیل درآمد شهررداری به یک تا دو میلیون ریال سالیانه را میتوان از راههای دیگر جبران نمود ولی وظیفهٔ خطیر، نجات دادن صنعت فیلمبرداری ملی ما میباشد که هم اکنون با نداشتن عوارض عمده، قدمهای سنگین و آهسته ای بر میدارد. لذا اینجانب خواهشمندم پیشنهادیکه از طرف استودیوها و شرکت های فیلمبرداری تقدیم شهررداری شده مبنای تصمیم در این باره قرار گیرد بدین معنی که (۱) از فیلمهای خارجی باید ۴۰ درصد مالیات گرفته شود (۲) از فیلمهای ایرانی حداکثر ۱۵ درصد (۳) تهیه نمودن فیلمهای ۱۶ میلیمتری که صرفاً جنبه تجارتی دارد باید قذف شود چون اینگونه فیلمها از طراز پایین بوده و به ارزش و حیثیت فیلمهای ما لطمه وارد میآورد بخصوص که فیلمهای ۱۶ میلیمتری در هیچ کجا مورد قبول نیست و تنها بمنظور تفریح خصوصی و بعضی اوقات بمنظور تهیهٔ فیلمهای تربیتی و علمی (بقیه در صفحه ۲۳)

تازه ترین اخبار سینما



جوایز مدال طلای مجله فتوپلی
مجله معروف فتوپلی که یکی از مجلات بر تیراژیستهای آمریکا می باشد هر سال به آراء مردم مراجعه و معروفترین و محبوبترین هنرپیشگان مرد و زن و بهترین فیلم سال را در شماره مخصوص سالانه خود منتشر مینماید. امسال نیز مطابق معمول محبوبترین هنرپیشگان بترتیب زیر اعلام شد:

محبوبترین ستاره سال (جون آلیسون) برای بازی در فیلمهای (داستان گلن میلر) محصول کمپانی یونیورسال- اینترنشنال و (هیئت عامله) محصول مترو و (دنیای زنان) محصول فوکس قرن بیستم، معرفی شد.
(ویلیام هولدن) نیز محبوبترین هنرپیشه مرد سال برای بازی در فیلمهای (هیئت عامله) و (سابرینا) محصول پارامونت و (دختر دهاتی) محصول همین کمپانی اعلام گردید. ویلیام هولدن اکنون شهرت بی نظیری پیدا کرده است و امسال نیز احتمال میرفت جایزه اسکار را برای دومین مرتبه دریافت نماید.

بهترین فیلم سال نیز (وسوسه دل انگیز) محصول کمپانی یونیورسال- اینترنشنال معرفی شد. که (راک هودسن) و (جین وایمن) در آن شرکت داشتند. فیلم فوق را (اس هانت) تهیه و (دو کلاس سیرک) کارگردانی نموده بود. هنرمندترین هنرپیشگان سال



ویلیام هولدن محبوبترین هنرپیشه سال

نیز (گریس کلی) برای بازی در فیلمهای (بنجره عقیبی) و (دختر دهاتی) و (گای مدیسون) برای بازی در فیلم (فرمان) محصول کمپانی برادران وارنر انتخاب شدند.

جوایز مختلفی نیز به (وان جانسون) برای دل دراماتیک او در فیلم (شورش در کشتی کین) و (آخرین باری که پاریس را دیدم) و (کمپانی پارامونت برای اختراع طریقه (ویستاویژن) و به (اوتوپرمینگر) برای تهیه فیلم (کلارن جوائز) تعلق گرفت.

جینالولو بریجیدا در یک فیلم

آمریکائی

«هارولد هیت» تهیه کننده معروف و شریک (برت لنکستر) اخیراً بایتالیا مسافرت کرده و در نظر دارد از (جینالولو بریجیدا) در خواست نماید که در مقابل (برت لنکستر) را در فیلم (بندباز) که بزودی تهیه آن در کمپانی یونایتد آرتیستس شروع خواهد شد قبول نماید. اتفاقاً در یک مجلس ضیافتی که از طرف کمپانی (لوکس فیلم) داده شده بود جینا و شوهرش (دکتر مایک) در ملاقات نمود و جینا در خواست او را قبول نموده و بزودی برای شرکت در این فیلم به آمریکا مسافرت خواهد کرد.

فیلمهایی که در ماه قبل رکورد

فروش را شکسته اند!

مجله (موشن پیکچر هرالد) که بطور هفتگی منتشر میشود در پایان هر ماه فیلمهایی را که از لحاظ فروش بر سایر فیلمها برتری داشته اند معرفی مینماید.

در آخرین شماره ای که توسط پست هوایی برای ما رسیده این فیلمها رتبه اول را حائز گشته اند:

- ۱- (در اعماق قلب من) مترو
- ۲- (نشان کافر) یونیورسال
- ۳- (هیچ کاری بهتر از نمایش نیست) فوکس
- ۴- (سه حلقه سیرک) پارامونت
- ۵- (بیست هزار فرسخ زیر دریا) والت دیزنی
- ۶- (ورا کروژ) یونایتد آرتیستس

فستیوال برلین

مطابق معمول هر سال در شهر برلین فستیوالی از فیلمهای کشورهای مختلف تشکیل میشود و بهترین فیلمها و تهیه

جون آلیسون محبوبترین ستاره سال

کنندگان آنها جوایز مخصوصی اهدامی شود. امسال نیز بموجب خبری که به ما رسیده این فستیوال از تاریخ ۲۴ ماه ژوئن الی پنجم ژوئیه تشکیل میشود.

کشورهای آمریکا- فرانسه و ایتالیا و شوروی - آلمان و مکزیک و برخی دیگر از هم اکنون بهترین فیلمهای خود را برلین ارسال میدارند.

ریتا هیپورت نیز استودیوئی

تأسیس مینماید؟

چنانکه میدانید ریتا هیپورت ستاره زیبا و معروف بعد از امام فیلم (خان تامسون) دیگر در فیلمی شرکت نموده است. ولی بطوریکه مجله نیوزویک در آخرین شماره خود نوشت «ریتا» باتفاق شوهرش (دیگ هیس) در نظر دارد به تنهایی استودیویی تأسیس نماید و کمپانی یونایتد آرتیستس نیز تمهید کرده که فیلمهای ساخت کمپانی جدید تأسیس را بیازوهای دنیا صادر نماید. اولین فیلم این استودیو نیز (عشق و جنون) نام دارد که ریتا آنرا باتفاق شوهرش بازی خواهد کرد.

اورسن ولز در فیلم جدیدی

شرکت میکنند.

از چندین شماره قبل، روزنامه اطلاعات، داستانی بنام (آرکادین) بطور یادداشتی چاپ مینماید که نویسنده آن «اورسن ولز» نابغه معروف میباشد. بطوریکه مجله (پیکچر گوئر) چاپ انگلستان نوشته اورسن ولز از روی داستان خودش سناریو تهیه و خود در اول و کارگردانی فیلم را نیز به عهده گرفته و اکنون در اسپانیا مشغول فیلمبرداری آن میباشد.

چگونه میتوان نواقص فیلمهای فارسی را رفع کرد؟

برای مزید اطلاع خوانندگان که درباره این سلسله مقالات اطلاعاتی خواستند متذکر میگردم که این سلسله در حقیقت «سلسله آزاد» است و مجله مسئولیتی در قبال نوشته های آن بهمه نمیگردد حتی در شماره قبل آقای خاچیکیان قسمتی از حلات خود را متوجه مجله ستاره سینما نیز کرده بودند که البته از لحاظ آزاد بودن عقیده ما از چاپ آنها خودداری نکردیم و در آینده نیز باین روش ادامه خواهیم داد.

قسمت ششم

قبل از اینکه وارد مطلب شوم از خوانندگان معترمی که اینجانب را بواسطه نگارش سلسله مقالاتی که در شماره های قبلی مجله ستاره سینما چاپ رسید کتبا یا شفاهاً تقدیر نموده و بواسطه صراحت در درج حقایق تهریک گفته اند تشکر مینمایم در ضمن هدایای یاد نکرده و خواست بودند اسم روزنامه ای که بنده را «خر» و «بی سواد» لقب داده بود افشاء نمایم! اینک صراحتاً بعرض آقایان میرسانم که اسم این روزنامه «یزدان» می باشد.

در شماره های قبل تذکر داده بودم که از جمله دستهایی که پیشرفت صنعت فیلم برداری ایران را را کند ساخته اند خود تهیه کنندگان، کارگردانان، هنرپیشگان، مقدمات سینمایی و غیره می باشند.

یکی دیگر از عواملی که بشکست فیلمهای فارسی کمک کرده، سناریوهای بی سرت و سناریست های بی اطلاع میباشد. آنچه مسلم است هنوز هم در ایران سناریست واقعی نداریم و تهیه کنندگان و کارگردانان نیز زیاد باین موضوع اهمیت نمیدهند زیرا اغلب آنها هدف تجارتنی دارند نه هنری.

موضوع و سوژه فیلمهای فارسی پیشترشان یکنواخت و بهم شبیه هستند. همه آنها از بدبختی یک دختر یا سقوط یک پسر صحبت میکنند، اغلب دارای معنی های زندان، دادگاه، قمار و کاباره می باشند و همه آنها بدون استثناء دارای صحنه های متعدد رقص و آوازی میباشند. مرض آواز و رقص (بخصوص رقص عربی) بعدی در فیلمهای فارسی شیوع پیدا کرده که بعضی اوقات موضوع فیلم نیز

فدای آنها شده و یا اگر صحنه های رقص و آواز از بعضی از فیلمهای فارسی کسر شود دیگر چیزی در ته فیلم باقی نخواهد ماند.

در فیلمهای خارجی (مخصوصاً فیلم های دوام) رقص یا آواز موضعی مورد استفاده فیلم قرار میگیرد که خود داستان فیلم بآن ها احتیاج پیدا کند و این رقصها یا آوازه ها ولو آنکه خرج زیاد برداشته باشند برای آنکه رشته داستان فیلم کسبخته نشود گاهی اوقات حتی پنج تا به بیشتر روی پرده دوام نمی آورند در حالی که در فیلمهای فارسی موضوع را طوری درست میکنند که حتماً رقص و آواز داشته باشد و بدین طریق بکندفه داستان فیلم قطع شده و تماشاچی ناظر صحنه های طولانی رقص و آواز میگردد که اصلاً ربطی بموضوع ندارد و علت همین است که سوژه های فیلمهای فارسی همیشه نامربوط و نا مفهوم و دارای سکت های ایدئولوژیک (Ideological concept) میباشد. در یکی از صحنه های فیلم (کازبا) موضعی که رقص دسته جمعی باوج هیجان رسیده بود دوربین بروی (تونی مارتین) برگشت که داشت ستاره فیلم را میوسید و صحنه باین نحو تمام شد. در حالی که در فیلم (عروس دجله) (خواجهی) ده دقیقه به (متین) اشاره کرد که از جا بلند شود ولی متین در روی پرده سینما، و بیچاره تماشاچی در سالن آفتند صبر کردند که رقص عربی و آواز (پروانه) تمام شد؛ رقصها جای خود نشستند و آنگاه جطر بر مکی بسوی جلاد رفت. همچنین بابت طویل البعد و رقص عربی در فیلم (دختری از شیراز) و مطرب بازی و آوازه های بی در پی صحنه عروس (ماجرای زندگی) باعث قطع موضوع فیلمهای مذکور شدند و متأسفانه تمام فیلمهای فارسی در این افتضاحات با هم شریکند...

از اینها گذشته خود موضوع فیلم های فارسی همانطور که در بالا ذکر کردم بسیار یکنواخت و شبیه بهم و بنا بر این خسته کننده است. اغلب این موضوعها و متأسفانه بعضی از ابتکارات و مینوآسن- های صحنه های فیلمهای بومی، اقتباسی است از فیلمهای خارجی. کلاجهای رسیده که حتی قسمتی از صحنه های فیلمهای فرنگی را «ملی» نموده و آنرا در فیلمهای خودمان کجاند و به مردم غالب میکنیم برای نوع صحنه سقوط اتومبیل از پرنگاه در

فیلم «چهره آهنگ» صحنه بازار شاهین طوس» و حمله سواره نظام و آتش توپخانه «آقامحمدخان قاجار» را می توان مثل زد. اصلاحی تأسف است که تهیه کنندگان و سناریست های «فیلمهای فارسی عوض اینکه بی سوژه های مختلف و نازده که در تاریخ گذشته و امروز ایران در هر کوفه اجتناع ما فراوان است بگردند سعی میکنند از خارجی ها کپی کنند یا از همدیگر اقتباس نموده فیلمهای شبیه بهم بسازند. این آقایان درست مثل بعضی از موسیقی دانان و آهنگسازان خودمان میباشد که عوض اینکه از منابع سرشار محلی و بومی ما استفاده نمایند تم های (THEME) عربی و فرنگی را در موزیک ایران مخلوط نموده و باعث شده اند که موسیقی فولکلوریک ایران بطور کلی رنگ و بوی خود را از دست بدهد...

ایران باستان، ایران دیررزو ایران امروز بر از هزاران افسانه ها و روایات و وقایع است و روی آنها می توان هزاران سناریو و داستان نوشت. حتی خیلی از نویسندگان و موزیسین های بزرگ خارجی از خاک و آفتاب این سرزمین الهام گرفته قطعات شیرین ساخته اند و حالا از ما خیلی بید است که آثار خارجی را که اصولاً بطبع و روحیه ما نیسازد اقتباس نموده بردم ببولایم.

بقیده من فیلمهای فارسی باید کملا رنگ و روحیه و حاشیه ایرانی داشته باشد صنعت سینما توگرافی کشورهای که بطرز تفکر، مسلک و ترادیس بون ملی خود متوسل هستند همیشه جلو بوده است. علت پیشرفت و استقبال فیلمهای انگلیسی همانا انگلیسی بودن فیلمهای خود می باشد. برای فیلم های ایتالیایی نیز می توان همین را گفت ولی از موضعی که فیلمهای عربی، مراسم و تون خارجی را اقتباس کردند با شکستی در برور شدند که هنوز هم جبران نشده. بگانه علت اینکه فیلمهای ژاپنسی سال گذشته در فستیوال و نیز باخذ جایزه نائل گشتند این بود که محصولات آنها چه از نظر ایدئولوژی و سبک و لوژی و چه از نظر سبک و موزیک و بازی صدها ژاپنی بود.

فول میکنم که سطح هنری و تکنیک فیلمهای فارسی (از باب دیبای محصول خارجی رساندولی موافق یستم که باید فیلمهایی برنگ فرنگی ساخت. (تاتمام)

«پیری آنجلی» ستاره درخشانی که بازیبائی و هنر خود، هالیوود را تسخیر نمود

در نوزدهم جون (۱۹۳۲) در جزیره (ساردینیا) واقع در کشور هنرپرور ایتالیا دختری که بعداً (آناماریا پیری آنجلی) نامیده شد چند دقیقه بعد از خواهر دو-فلویش با برعه و خود گذارد و حال که بیست و سه سال از آن مقدمه میگذرد وی یکی از ستارگان هنرمند سینما و محبوب ترین هنرپیشه کیبائی (مترو گلدوین مایر) بشمار میرود آناماریا پیری آنجلی چون اغلب ستارگان سینما نام خود را مختصر و به (پیری آنجلی) تبدیل نمود.

خود، هالیوود را تسخیر نمود

مره این موقیت بریز دندان پیری رفت و دانست که آینده بگویی در انتظارش میباشد. در این هنگام کارگردان دیگری بنام (استوارت استرن) که مؤلف و تهیه کننده فیلم (ترزا) بود چون استعداد هنری (پیری) را در فیلم (فردا دیر است) دیده بود کتباً از او برای بازی در فیلم (ترزا) دعوت نمود و وی را در فیلم خویش شرکت داد. در این باره (پیری) باید ویدی فیلم دوم خود را خواند. پس از این ماجراها (پیری) آنجلی (هنرپیشه بنام معنای از آب در آمد و رشته هنر و صنعتی را که قبلاً در پیش گرفته

هالیوود شد و در شهر برهاموی هالیوود که هزاران دختر دلفریب و طناب برای شرکت در فیلم روز شادی میکنند قدم گذارد و بلا درنگ کیبائی معظم (مترو گلدوین مایر) مقدمش را گرامی داشت و با قرارداد طویل المدتی استعفاش نمود. و تا هم اکنون در این کیبائی مشغول کار است از فیلمهای خوب پیری آنجلی «صافه عشق» میباشد که کارخانه مترو آراتیپ کرده و هیلازی او در این فیلم (استوارت کریچر) هنرپیشه مشهور انگلیسی بود که سال گذشته سینما ایران آنرا به عرض

آمایش گذاشت. بعد از این فیلم کیبائی مزبور دست به تهیه يك فیلم عالی و رنگی «سرخ ریح بنام (سامبرو) زده است که اول آن به عهده (پیری آنجلی) و او گذارد شده است. در این فیلم هنرپیشه های معروفی از قبیل (ریکار دو موتالیان) (ایوان دو کارلو) و هندی باردیگی شرکت دارند. این خود يك نشانه بارزی از موقیت پیری آنجلی است که در این فیلم با وجود هنرپیشگان مشهور و محبوبی دل تخت را با و معول کرده اند.



کیبائی نامبردمست به تبلیغات وسیع و دامنه داری برای فیلم (سامبرو) زد بطوری که این فیلم یکی از فیلمهای خوب سالی ۱۹۵۲ از آب در آمد و بالاخره منجر بشهرت جهانی (پیری آنجلی) و مایه انتحار

بوده و حلقه و افری باین کار داشت و پس از فراغت از کارهای خانه بسوی تانسر روانه میشد اما خود پیری چنین خیالی داشت که در این فن وارد شود و هدف اصلیش تحصیل در یکی از رشته های علمی و صنعتی بود اما سر نوشت باعث گردید که «لید ناید موکای» کارگردان فرانسوی متوجه او شد و آینده درخشانی را برایش پیش بینی کرد زیرا استعداد ذاتی از چهره شفاف (پیری) نمایان بسود. کارگردان مزبور که مشغول تهیه فیلمی بنام (فردا دیر است) بود تصمیم گرفت او را برای ایفای دل اول فیلم خود انتخاب کند. موکای روزی بیلافاقی پیری بر رفت و در طی گفتگو بوی پیشنهاد کرد دل تخت فیلم او را تقبل نماید. ولی پیری از این کار سرباز زد و مخالفت

کشور ایتالیا که تا کنون صدعا ستاره هنرمند جهان سینما عرضه داشت کردید. از بین فیلمهای دیگری که «پیری آنجلی» در آن شرکت جست می توان «داستان سه عشق» «ماسک شیطان» و «سافر فرمای» را نام برد. خلاصه اینکه همه دوستان ایران سینما و ناظرین کیبائی مترو گلدوین مایر موقیت بالائری برای این ستاره پیش بینی می کنند.

بود رها نمود. راست است که میگویند گاهی شهرت و موقیت، چنان سرزده به سراغ انسان می آید که شخص فرصت پذیر برای از آنرا ندارد زیرا این موضوع نیز برای ستاره هنرمند ایتالیائی بوقوع پیوست. پیری حال این دخترک با استعداد داشت که او برای هنرپیشگی سینما ساخته شده و کشور ایتالیا را برای روح هنرمند خود کوچک تشغیس داد و در صدد مسافرت بر آمد و برای پرورش استعداد هنری خویش و کسب شهرت جهانی جلای وطن کرده روانه

خود را (برداشت) اما کارگردان نامبرده پس از ملاقاتهای پیری و با فشارهای فراوان توانست او را ارضی و در فیلم خود شرکتش دهد. پیری آنجلی برای اولین بار خود را در زنده گی سینمایی یافت و فیلم (فردا دیر است) با شرکت هنرپیشگانی چون «وینور بودسیکا» و «لو بیز مکسول» را بسا موقیت بیابان رساند. این فیلم خاطره خوب و فراموش نشدنی برای وی بجای گذاشت و تا اندازه ای باعث کسب شهرت او شد.

رپورتاژ اولین فستیوال «گلریزان» فیلمهای فارسی بوسیله گنگره سینمایی ایران



جناب آقای دکتر اقبال در روز سوم فستیوال هنگام خروج از سالن

مقدمه: تشکیل فستیوالهای مختلف برای تعیین بهترین فیلم و هنرمندترین هنرپیشگان و سایر کسانی که در وجود آوردن فیلمی سهم و شریک می باشند یکی از اقدامات رایج و متداول کشورهای مشرقی است چنانکه فستیوالهای فیلم «کان» و «ونیز» از مهمترین آنهاست و خوانندگان ارجمند از این امر استحضار کامل دارند در کشور ایران نیز یکی دو فستیوال فیلم قبلاً ترتیب داده شده بود که معنی واقعی فستیوال را در بر نداشت و متأسفانه هیچ مقامی هم در صدد بر نیامده بود که فستیوالی برای تقدیر از زحمات و هنرنماییهای هنرمندان سینمای ایران تشکیل دهد در صورتی که ضرورت این امر بعد اکل احساس می گشت. خوشبختانه دوست همکار ما آقای سیامک پورزند پیشنهاد این اقدام را طرح و آنرا با اطلاع آقایان مدیران استودیوهارساندند که مورد استقبال اکثریت آنان قرار گرفت و در نتیجه با کمک و همکاریهای ذیقیمت هیئت تحریریه مجله بصورت عمل درآمد و گر چه موانع و اشکالات زیادی در راه اجرای این عمل منطقی و بجای از طرف دشمنان هنر، ایجاد و تراشیده شد لیکن چون این عمل خطیر برای اولین بار در کشور ما جامه عمل بخود پوشید مؤسس گنگره و هیئت تحریریه مجله ما را که بنیان گذار آن بودند بر آن داشت که در سالهای آینده نیز با توجه و محبت هنرمندان و هنردوستان ارجمند بیش از پیش کوشا گردند حیوب و نواقتس کار را مرتفع نمایند و این عمل بزرگ و پر ارزش را که برای پیشرفت و بالا بردن سطح هنر ملی و تشویق هنرمندان لازم و ضروری است تکمیل نموده و فستیوالهای فیلم را مانند کشورهای راقیه دنیا بصورت آبرومندانه و محترمانه ای برگزار کنند.

اینک گزارش فستیوال

چشم « گلریزان فیلمهای ایرانی » در حضور جناب آقای دکتر منوچهر اقبال رئیس محترم دانشکاه و جمعی از آقایان سنا توره ها و وکلای مجلس شورای ملی و اعضای سفارتخانه ها و عده کثیری از روزنامه نگاران و هنرمندان و هنردوستان برگزار شد و بدو آقای سیامک پورزند در جلوی حضار قرار گرفته و پس از عرض خیر مقدم گزارش فستیوال را بسم حضار محترم رساندند.

خلاصه ای از نطق آقای سیامک پورزند

سروران عزیز و هنرمندان گرامی: از اینکه اظهار لطف فرموده و مجلس ما را بقدم خود مزین فرموده اید بیهیئت سیاسیگزارم ما خدمتگزاران شما در همه جا و همه حال برای پیشرفت کار شما و بالنتیجه پیشرفت صنعت سینمای بومی خود خواهیم کوشید و با هر موانعی خواهیم جنگید و خارها را از سر راه خود بر خواهیم داشت دوستان عزیز، هنرمندان محترم، شما که امروز در این مکان جمع شده اید خوب می دانید عملی را که ما اکنون شروع کرده ایم در تاریخ سینمای ایران نظیر نداشته است و البته توجه باین نکته حضار محترم دارند که در اول هر کار عده ای از دشمنان دوست نامشغول تهریک و تخریب میشوند تا اینکه بتوانند با اعمال و افعال خود جلوی فعالیت ما را بگیرند ولی با تمام دسامی که بکار بردند و با تمام نسنبهای ناروایی که بنا دادند ما از پای ننشستیم و به نیروی عشق و علاقه ایکه وجود ما را میسوزاند موفق شدیم تا بدینجا آو بدون فوت وقت آن را ادامه دهیم و برای تکمیل و رفع نواقص آن نیز از هیچ گونه فعالیتی دریغ نخواهیم کرد. در این فستیوال کلیه فیلمهای آماده بنمایش سال سی و سه بطور کامل و از فیلمهای گذشته هر کدام چند پرده نمایش داده خواهد شد و در آخرین روز فستیوال بیرندگان که عبارتند از دو هنرپیشه اول زن و دو هنرپیشه اول مرد، بهترین سناریست بهترین فیلم بردار، بهترین کارگردان و بالاخره بهترین فیلم، جوایزی اهدا خواهد شد ضمناً نا گفته نماند که برای تعیین این هنرمندان، استادانی را انتخاب نموده ایم که از هر جهت برای انجام این کار شایستگی دارند و نیز نا گفته نماند که هیئت ژوری طوری تعیین شده که هرگز

جای گله برای دوستان ما باقی نماندند زیرا این استادان از جمله کسانی هستند که در هیچیک از فیلمهای ایرانی شریک و ذینفع نمیباشند و قضاوت ایشان بدون تردید مورد قبول عموم حضار محترم قرار خواهد گرفت. امیدوارم این خدمتی که بخاطر هنر هنرمندان هم وطن خود انجام میدهم مورد قبول و تأیید عموم واقع شود و اینک از جناب آقای تیمسار سپهبد جهانبانی که ریاست عالییه و افتخاری این گنگره را دارا میباشند استدعا دارم که قبول زحمت فرموده و مجلس ما را افتتاح فرمایند (در این موقع جناب آقای تیمسار سپهبد جهانبانی در میان هلله و کف زدن شدید حضار بجلوی سن تشریف آوردند) و چنین فرمودند:

هنر سینما بطور یقین کاملترین و بزرگترین هنر جهان شناخته می شود زیرا تمام مردم از دیدن و تماشا نمودن لذت می برند و این هنر سینماست که این لذت را بطور کامل و احسن بنا می بخشد (و پس از ذکر چند جمله دیگر فرمودند) دنباله این بحث را بجناب آقای دکتر نامدار واگذار میکنم و برایش خود خاتمه میدهم. (جناب آقای دکتر مهدی نامدار دو میان کف زدن شدید بجلوی سن تشریف آوردند).

خلاصه ای از نطق جناب آقای دکتر نامدار

باید برای پیشرفت صنعت سینما ما پیر مردان از شما جوانان نیرو بگیریم و شما از تجربه ما پیر مردان استفاده نموده بهره مند گردید و با نیرو و جدیت کامل در راه پیشرفت هنر سینما بکوشیم. ما باید بخواهیم تا بدست آوریم. باید بخواهیم که هنر ملی ما ترقی کند و بهیچوجه نباید دلسرد شویم زیرا با پشت کار و جدیت و کوشش دستجمعی میتوانیم فقر هنری خود خصوصاً در رشته سینما را از بین ببریم و ما مطمئناً با اجرای این عمل هر



هیئت ژوری لحظه ای قبل از شور



**آقای دکتر خالری هنگام
تحریر نظر عمومی هیئت**

این هیئت قضات مقرر میدارد که هر يك از استودیوها در صورت تمایل ممکن است مجدداً قضات را برای مشاهده فیلم خود دعوت کنند و همچنین استودیوهایی که در این مراسم شرکت نکرده اند ممکن است تا تاریخ پانزدهم فروردین رسماً شرکت خود را در این کلریزان اطلاع دهند و برای اینکه قضات نتیجه فعالیت ایشان را مشاهده کنند وقتی را تعیین نمایند. از تاریخ پانزدهم تا بیست و نه فروردین هیئت قضات بمطالعه و مشاهده این فیلمها خواهد پرداخت و در روز سیام فروردین جلسه ای تشکیل می دهد و پس از تبادل نظر رأی قطعی خود را اعلام خواهد داشت.

در این میان جمعی از دوستان آقای سیامک پورزند ۵ - ادایابی با ایشان اهداء کردند که در میان این ۵ - ادایابی ساعت لوزینا از طرف جناب آقای دکتر اقبال جلب نظر میکرد. سپس آقای پورزند در قدردانی رفقای خود تشکر نمودند و گفتند: از اینکه کنگره نتوانست بنحو احسن برنامه خود را اجرا کند باعث تأسف ما شده و امیدواریم بکمک و لطف همه هنرمندان و هنر دوستانی که به پیشرفت سینما، ایران علاقمند هستند دنباله فستیوال امسال و فستیوالهای سالهای بعد را با برومندی بر گذار کنیم و پس از ایشان آقای مجید محسنی هنرمند محبوب بجلوی جمعیت آمدند و از زحمات چند روزه آقای سیامک پورزند و هیئت تحریریه مجله تشکر نمودند و گفتند هرگز از کار خود دل سرد و افسرده نشوید و عملی را که در حال انجام آن هستید تا با آخر آنرا دنبال نمایید و مطمئن باشید که شما با انجام این عمل بزرگترین خدمت را به هنر ایران نموده اید و هنر دوستان ایران فخر و مباهات می نمایند که کسانی پیدا شده اند که بخاطر ترویج هنر ایشان، از هیچ چیز مضایقه ندارند من بنام «هنرپیشگان ایران» در مقابل این همه گذشت و فدای کاری سرنظم فرود می آورم (بقیه در صفحه ۲۳)

۲ - نمایش فیلم کامل چهارراه حوادث باشتراك - آرمان - ملک مطیعی، ویدا فهرمانی - مورین، کارک - ردان سامول خاجیکیان، تهیه شده در دیانا فیلم

برنامه روز چهارم، ۲۵ و ۲۶ و ۲۳
۱ - نمایش کامل فیلم مهتاب خونین باشتراك - بهشتی - تسلیمی - کیانی - واند - کارگردان سروری، تهیه شده در کاروان فیلم

۲ - نمایش کامل فیلم پایان رنجها باشتراك - مهین دهبیم - آزاده - بهشتی زمانی، کارگردان رئیس فیروز، تهیه شده در ایران فیلم، و بدین ترتیب جشن چهار روزه فستیوال پایان یافت و نمایش فیلم (برای تو) بروزشنبه موقوف شد.

برنامه روز پنجم، ۲۸ و ۲۹ و ۳۳
۱ - چون فیلم (برای تو) بنا بر عللی نمایش داده نشد، فیلم آغامحمدخان قاجار باشتراك - نصرت الله محتشم - ژاله متین، کارگردان نصرت اله محتشم، تهیه شده در پارس فیلم نمایش داده شد.

سپس هیئت ژوری که عبارت بودند از جنابان آقایان دکتر مهدی نامدار، دکتر خالری، دکتر میندی نژاد، گرمسیری دکتر قهاری، فریدون رهنما، ایرج ساویز - دکتر رضوی، دکتر شقایب مهندس سیحون - مهندس قیامی - هایک کاراکاش، در اطاق مخصوص خود وارد شدند و پس از لحظه ای آقای گرمسیری از جانب هیئت ژوری بجلوی جمعیت آمدند و چنین گفتند:

هیئت ژوری از زحماتی که متصدیان این فستیوال بخاطر تسریع هنر متحمل شده اند تشکر و سپاسگزاری می کند و نتیجه رأی قضات را اکنون آقای دکتر قهاری بسم حضار محترم می رساند. سپس آقای دکتر قهاری بجلوی تماشاچیان آمدند و ایشان هم پس از اظهار تشکر از جانب خود و هیئت ژوری صورت جلسه هیئت داوران را بدین شرح قرائت نمودند.

نظر عمومی هیئت

(هیئت قضات کلریزان فیلمهای ایرانی سال ۱۳۳۳) که از طرف کنگره سینمایی تشکیل شده بود پس از مشاهده فیلمهایی که از طرف استودیوها نمایش داده شد چنین تصمیم گرفت که چون برای اظهار نظر قطعی لازم است هیئت قضات با دقت بیشتری این فیلمها را ببینند و از بعضی فیلمها در این روزها فقط قسمتی نمایش داده شد که برای اظهار نظر کافی نیست و از طرف دیگر ممکن است بعضی استودیوها بسبب نداشتن وسیله یا هلال دیگر موفق بشرکت در این کلریزان نشده باشند یا از چگونگی نمایش آن راضی نباشند بنا بر

قدر که دشوار باشد قادر خواهیم بود - در خانه از آقای سیامک پورزند و دوستان همکار ایشان که پیش قدم در این راه هستند قدردانی میکنم و امیدوارم این عمل برای سالهای آینده بدعت باشد و بدین ترتیب بتوانیم قدمهای مؤثری برای پیشرفت هنر سینمای خود برداریم.

سپس برنامه نمایش فیلمهای کنگره سینمایی بدین ترتیب شروع شد:

برنامه روز اول
۱ - مشهدی عباد (باشتراك: تفکری معصومه خاکیار - علی تاپش) بکارگردانی صمد صباحی تهیه شده در استودیو عصر طلایی، نمایش دو پرده

۲ - بی پناه باشتراك: مهین دهبیم احمد فقهی - امیر فضلی - گرمسیری - کارگردان نوری حبیب، تهیه شده در استودیو پارس فیلم نمایش دو پرده

۳ - دختر چوپان باشتراك: مجید محسنی - شهلا - مهرداد یوان تفکری کارگردان مهرداد یوان تفکری تهیه شده در استودیو عصر طلایی، نمایش دو پرده

۴ - يك پرده از فیلم مهتاب خونین محصول کاروان فیلم.

برنامه روز دوم ۲۳ و ۲۴ و ۳۳
۱ - بازگشت باشتراك: هایده، عقیلی - آرمان، کارگردان سامول خاجیکیان تهیه شده در دیانا فیلم، نمایش دو پرده

۲ - ماجرای زندگی باشتراك فرح پناهی - ژاله - محزون، کارگردان نصرت اله محتشم، تهیه شده در دیانا فیلم نمایش دو پرده

۳ - میلیونر باشتراك: تفکری - یاسمین هامازاسب - گرمسیری، کارگردان، امینی تهیه شده در پارس فیلم، نمایش دو پرده

۴ - نمایش فیلم کامل آخرین شب باشتراك: دانشور - آزاده - بيك خان وویا، تهیه کننده مهندس بدیع در استودیو عقاب.

برنامه روز سوم - ۲۴ و ۲۵ و ۳۳
۱ - دختری از شیراز باشتراك: فرح - آرمان - سیروس - مهین - ایرج دوستدار کارگردان سامول خاجیکیان، تهیه شده در دیانا فیلم، نمایش دو پرده



هیئت ژوری در حال شور

مختصری راجع به تاریخچه و تحولات سی ساله اخیر

کمپانی فیلمبرداری «پارامونت»

قبل از اینکه مطلب اصلی را شروع کنیم، ناچار از ذکر این مطلب هستیم که کمپانی «پارامونت» از بدو پیدایش صنعت سینما از لحاظ تهیه فیلمهای اجتماعی و هنری در درجه اول بوده و با وجود این که طبیعتاً تاجر مسلک است معذرتاً تا حد امکان فیلمهای اخلاقی و اجتماعی تهیه کرده و بر ای کسانی که از دین سوزدهای مکرر خسته شده اند، بسیار جالب و مورد پسند و علاقه همه مردم کشورهای جهان خواهد بود.

تاریخچه استودیو «پارامونت» محتاج به نوشتن کتابهای دقیق و زیادی است ولی ما فقط بطور کلی اشاره ای به تاریخچه و پیدایش این کمپانی می نمایم و سعی میکنیم با ذکر نمونه فیلمهایی که سابقاً نمایش داده شده مراحل عمده تحولات سی ساله کمپانی «پارامونت» و خطوط برجسته و بارز آن تشریح و بیان گردد.

پیدایش استودیو

سینما در اوان کار، پیشرفت شایان توجهی نداشت زیرا اولاً نبودن وسائل فنی کافی و ثانیاً عدم استقبال مردم، توسعه صنعت سینما را غیر ممکن می نمود. پس از اینکه در سالهای اواخر قرن نوزدهم ماشین و دستگاههای فیلمبرداری کاملتر گردید کم کم علاقه مردم آن زمان نیز نسبت به این صنعت بیشتر شده و استودیوهایی در

اطراف و اکناف هالیوود امروزی بنا گردید. صنعت سینما هر روز و بترقی بود و مرتباً تکامل می یافت و از سواقس و عیوب آن کاسته میشد تا اینکه (دیوید گریفیت) برای اولین بار یکی از آثار مشهور خود را بنام «پیدایش یک ملت» وارد بازارهای آمریکا نمود و در همین زمان بود که (آدولف زوکورد) تهیه کننده معروف با کمپ (سیل، ب، دومیل) ستادست و کارگردان هنرمند در یک انبار آجود فروشی واقع در قسمت جنوبی هالیوود استودیویی بنا نمودند و تهیه فیلمهای خبری و کوما تر و غیره پرداختند. کم کم کار این دو تهیه کننده مشهور اهرمیت زیادی یافت بطوری که آنها در عرض یک سال توانستند استودی خود را بحال جدید و بهتری منتقل سازند با این عمل بنای ابتدائی «استودیو «پارامونت» توسط آنان ریخته شد. استودیوی مزبور در محل تقاطع دو خیابان «گاور استریت» و «ملروز آونیو» واقع گردیده و یک دیوار دوازده فوتی اطراف آن را احاطه کرده است. (زوکورد) بزودی توانست با کمپ (دومیل) امتیاز داستان فیلم «ملک الیزابت» را از یک تئاتر عمده پاریس خریداری نماید و تهیه آن همت گمارد در سال ۱۹۲۴ کمپانی «پارامونت» توانست

بعد از مدتی مدیده اولین محصول خود را که بزرگترین فیلم وسترن بشمار میرفت به بازارهای جهان بفرستد. این فیلم (کاربهای سرپوشیده) نام داشت و در آن هنرپیشگان معروفی چون (ریچارد بکس) و (آلن هیل) شرکت نموده بودند.

وضعیت داخلی استودیو

کمپانی «پارامونت» (پارامونت) پهلوئی استودیوهای (آر. ک. تو. رادبو) و (کلیمیا) قرار دارد. در محوطه کمپانی متجاوز از پنجاه و هشت ساختمان مختلف از قبیل دفتر، اطاقهای تمویض لباس، کتابخانه، ضبط صدا، سالنهای کوچک نمایش قرار دارد که از خارج بسیار خوش منظره و جالب است. در قسمت وسط استودیو یک میدان نسبتاً وسیع وجود دارد که در اطراف آن درختان سرسبز و گیاهان انبوه کاشته شده است علاوه بر این استودیو، یک مزرعه وسیع نیز در دره (سان فرناندو) توسط کمپانی «پارامونت» ساخته شده که صحنه های خنجرهای فیلمهای کلابوی و بر حادثه در آنجا تهیه میگردد. در این مزرعه چند خط راه آهن، هواپیماهای کوچک شکاری، یک اصطبل بزرگ وجود دارد که مورد استفاده کارکنان استودیوی مزبور است. در استودیو «پارامونت» تعداد ۴۰۰ نفر از هنرپیشه و کارگر و غیره به کار مشغولند و فعلاً دارای ۱۱۰ اطاق متعدد برار و قسمتهای مختلفه سینما میباشد.

سینمای ناطق

پس از اینکه اولین فیلم ناطق بنام (خواننده جاز) توسط کمپانی (وارنر) تهیه گردید، استودیو «پارامونت» با عجله به تهیه فیلمهای ناطق پرداخت و با شروع این نوع فیلمها، کمپانی مزبور فیلمهای موزیکال و جنایی، درامهای عمیق اجتماعی و کمدیهای ساده و بالاخره داستانهای عشقی تهیه نمود. بعضی از این فیلمها سرو صدای زیادی در آمریکا برآوردند، مثلاً فیلم (خانم می نیور) که توسط (ویلیام وایلر) تهیه شده بود با داشتن صحنه های با روح و موضوع ماهرانه هنری بعنوان یک شاهکار جهانی شناخته شد. فیلمهای با اهمیت دیگری مانند (دختر زارع) و (در آرزوی قدیم) و (زیگفیلد کبیر) و درامهای بزرگ اجتماعی چون (روپاه کوچک) و (شوق) در این کارخانه ساخته شد که هرگز از خاطر تماشاچیان قدیمی معو نخواهد گردید. (بلبه در صحنه ۲۳)



بکارگردانی «آلفرد هیچکاک» فیلم «بنجره عقبی» در کمپانی پارامونت تهیه گردید.

«سامول خاچیکیان» کارگردان لایقی که

(چهارراه حوادث) را بوجود آورد

امیر حسین فرهنگ

ضامن بقا و عظمت صنعت
و ظهور و جوان سینمای
ایران کسانی هستند که
مسئولیت تهیه فیلم بمهده
آنها گذاشته شده و با ارشاد
و راه ما بهیچک از ایشان محصولات
برمی آید و برای مقاومت در
برابر فرآورده های خارجی
بدهد مگر در این اشخاص
که هنر سینما نام کارگردان
روی ایشان گذارده است
خالق اصلی و بوجود
آورنده فیلم بوده و در سوم
موفقیت هر فیلم بسته به میزان
استعداد و لیاقتی است که
در این عده وجود داشته و
رهبر آنها در خلق یک فیلم
پر ارزش و جالب میگردد.
متأسفانه همانطور که
انحراف از اصول مسلم
اخلاقی بر اثر فقر و سایر
آلودگیهای اجتماع در بین
عده ای از افراد ملت ما شایع
گشته تجاوز و اهانت بمقام
شامخ هنر سینما نیز بآن
درجه رسیده که بدون در



سند و بویها و خداوندان
ریال بگذارند که او بی
وجود مزاحم و بدون
دخالتهای سعا بکارش
مشغول شود آینه درخشانی
برای این مرد و آینده ناساکی
برای سینمای ایران میتوان
پیش بینی بود. «چهارراه
حوادث» با وجود آنکه کار
عیس و بدبسی در عالم سینمای
ایران بود ولی مورد پسند
خود کارگردانش واقع نشد
ذیرا بقدری او را در زحمت
و فشار گذاشته بود که
گفته خود نتوانست آنچه
که میخواست بروی برده
بیاورد. خوب بیاد دارم در
حین نشیوال فیلمهای
ایرانی که از طرف کنسرت
سینمای ایران بر قرار
گردیده بود و همچنین روزی
که فیلم مزبور را بدعوت
ناصر ملک مطیعی برای
داشجویان دانشکده افسری
نشان میدادند و سالن سینما
دیانا بر اثر ابراز احساسات
شدید تماشاچیان، بلرزه در
آمده بود. این مرد هنرمند

و آثار نقیسی به پیشگاه هنر دوستان عرضه
بدارند. «سامول خاچیکیان» که قبلاً کار-
گردانی فیلمهای فارسی « بازگشت » و
« دختری از هیراز » را بمهده داشت و
اکنون «چهارراه حوادث» را که نیز از
ساخته های اوست نشان میدهند، از جمله
شخصیتهای برجسته هنری و نخستین کارگردان
هالیوود ایران است که با فیلم جدید خود
خدمت قابل توجهی به هنر سینمای ایران
کرده است. «چهارراه حوادث» نمونه زنده ای
از استعداد و کاردانی این مرد بوده و یقین
میداد تحول تازه ای در امر صنعت فیلمبرداری
ایران خواهد گردید. انتخاب سناریوی
آموزنده و قوی، موزیک مهیج، دکور با زووموتاژ
عالی و صحیح، و مهتر از همه انتخاب هنر-
پیشگان نازده کلا و تربیت دقیق آنها و
بالاخره منعکس نمودن معایب و مفاسد
اجتماع امروزی ما بروی پرده سینماشبه ای
از اصول کار «سامول» است و اگر صاحبان

نظر گرفتن هیچک از مقررات و اصول
هنری اشخاصی پیدا میشوند که با اصطلاح
عوام، منظور شده ملا شده و بی آنکه دوره
مخصوصی را طی کرده یا آموزش و دقایق کار
را فرا گرفته باشند با اسم کارگردان و
رژیسور تهیه فیلم مشغول میشوند و نتیجه
این میشود که نوادهای متحرکی که با اسم
«فیلم» بدست این اشخاص تهیه میگردد در
هنگام نمایش قسمی حس انزجار و تنفر
تماشاچی را متحرک میکند که ممکن است
پس از چندی بکلی صنعت سینمای ما مضحک
و نابود گردد. خوشبختانه از آنجا که ملت
قدر شناس و هنر پرور ایران حساب بی-
هنران لافزن را از هنرمندان واقعی جداانگه-
میدارد در مورد سینما نیز بدینوسیله در
پرتو حمایت و پشتیبانی خود، نوابغ و
هنرمندان بزرگی را میپرورداند که به پیروی
معلومات و کاردانی خویش بتوانند از
اضحلال صنعت سینمای ما جلوگیری نموده

بدون اینکه اندکی بحدود بیاید، بفکر
این بود که منظورش بعد اکتفا عملی شده
و «چهارراه حوادث» آن فیلمی نبود که
او میخواست پیشگاه ملت ایران عرضه
بدارد. از اینجهت هنگامی که از طرف
مقامات مختلف، دسته گلها و جوایز
گوناگونی باو اهداء میگشت از ته قلب
ناراضی بود و میگفت این فیلم، آن فیلمی
نیست که میبایستی تهیه کرده باشم. استقبال
کم نظیر اهالی پایتخت از این اثر نوظهور
نشان داد که ملت فهیم ایران از زحمات
شبانه روزی هنرمندان کشور خود بهترین
و جبهی تقدیر میکنند و بزرگترین مشوق آنها
در راه خدمت بمالم هنر واقع میگردد.
اینجانب و هموم نویسندگان مجله ستاره
سینما الاصبیح قلب موفقیت آقای «سامول
خاچیکیان» را در ادامه خدمت سینمای
ایران از درگاه ایزد متعال مستثنا داشته و
انتظار داریم با تهیه فیلمهای آموزنده و مؤثر
خود در آینده بتوانند مر مشق هموم تهیه
کنندگان فیلم قرار گیرند.

سخنایقی که برای اولین بار فاش میشود خاطرات یکساله من در استودیوهای ایران

قلم : خیر نگار مخصوص ما

(۲)

و «اوا گاردنر» میداند و سعی می کنند از نقطه نظر ظاهر از هر جهت مثلا آرایش خود را بشکل یکی از اینها در آورند . خوب بخاطر دارم مدتی بدنیال یک هنر - پیشه زن برای عکس او دویدم و او چندین بار عکس خود را تجدید کرد ولی عاقبت عکسی که بدرد من عملی بخورد نتوانست بمن ارائه دهد چون تحقیق کردم معلوم شد که این خانم در آرایش از «ریتا هیورت» تقلید می کند و یک سری از عکسهای او را در اختیار عکاس مربوطه گذارده بود تا عکس شبیه باین ستاره از وی بردارد . کسی نیست از این خانم محترم بپرسم «ریتا هیورت» یک هنر پیشه آمریکاییست و بهتر است که بجای تقلید از دست هاو

خود باید در هر موردی استفاده نمود لزوم را از آنها ننمایند و آنکس این حرف در صورتی می تواند قبول باشد که ما هنر پیشه سینما داشته باشیم و الا در شرایط فعلی هنر پیشه هائی که سابقه تاثیر دارد تا اندازه ای بهتر از آنهائی که این سالها در این کشور در طی یک (اتفاق) هنر پیشه شده اند باری میکنند صحبت از ذوق هنر پیشگان ایرانی بود . این ذوق بیشتر در نتیجه حس خودخواهی و تقلید از فیلمها و هنر پیشگان خارجی بوجود آمده بطوری که در حال حاضر هنر پیشه های زن سینمای ایران خود را «ریتا هیورت» و «سیلوانا منگانو» و «اینگر بدبر گمن»



آرمان

هنر پیشه آثار و سینما

در این شماره می خواهم خاطرات یک ساله خود را در استودیوهای در مورد هنر پیشگان تا آنجائی که امکان دارد برای خوانندگان تشریح نمایم اصولا در ایران با شخصی که بروی پرده سینما بعنوان «هنر پیشه» رلهای مختلفی را ایفا میکنند نمی توان لفظ هنر پیشه را اطلاق کرد زیرا همانطور که گفتیم در ایران مرکزی برای تربیت هنر پیشه وجود نداشته و ندارد و کتبه هنر پیشگان ایرانی فقط دارای ذوق می باشند و شاید هم استعدادی داشته باشند ولی این استعداد تا کنون بمنه ظهور نرسمیده و یا بیانات دیگر کسی نبوده که آنرا پرورش دهد . در این یکسال چه در استودیوها و چه در روزنامه ها و محافل دیگر صحبت از این بود که هنر پیشه تاثیر بدرد سینما نمی خورد و هنر پیشگان تاثیری حق ندارند لقب هنر پیشه سینما را بخود اطلاق نمایند ولی باید دانست که تاثیر و بازی در آن اولین پایه و شرط برای یک هنر پیشه سینما است . بدلیل آنکه در تمام کشورهای متمدنی هنر پیشه های درجه اول سینما از تاثیر سینما راه یافته اند و یا در حال حاضر زمانی در سینما و زمانی در تاثیر بازی می کنند و در این مورد کارگردانان و تهیه کنندگان هستند که با فکر و ذوق



فرح بناهی در سال گذشته محبوبترین هنر پیشه ایرانی بود



آزاده

حرکات وی کمی بخود بردارد و با مطالعه و تمرین کمی مایه هنری که بدر او بخورد نسبت نماید هنرپیشه های مرد نیز دست کمی از بقیه ندارند و خودشان را هیایه «رابرت نیلور»، «کاری کوپر»، «گریگوری پک» میدانند و فکرمی کنند که محبوبیت یک هنر پیشه داشتن چشم و ابروی مشکلی یا قامتی زیبا و با بالاخره بازوانی مستبر می باشد در صورتی که این آقایان کاملاً در احتیاجند محبوبیت یک هنرپیشه خوب تابع میزان هنرمندی اوست نه قامت زیبا و هیکل ورزیده او. یکی از این آقایان را میشناسم بهر معطل و اجتماع و با بهر یک از استودیو هایی که وارد میشود خود را بدلیل داشتن «شخصیتی» فوق العاده، از دیگران کنار میکشد، با کسی حرف نمیزند و حتی بسختی سلام شما جواب می دهد در صورتی که اگر او واقعا هنرمند باشد باید خود را متعلق با اجتماع بداند زیرا مردم هستند که او را بدین پایه رسانیده اند نه صاحب استودیو که فیلم را فقط بخاطر پر کردن جیب خود و با منظور های دیگری تهیه می کند.

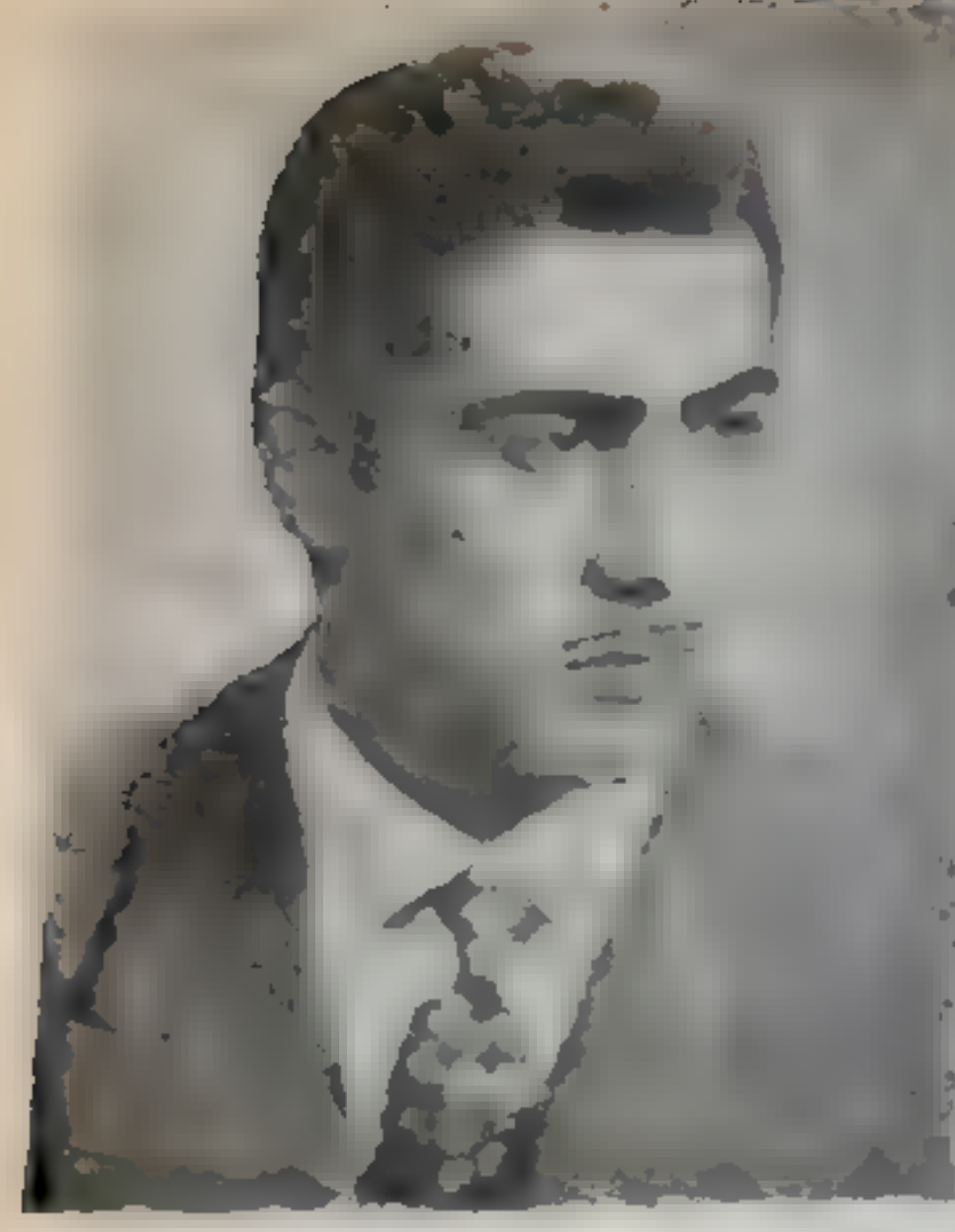
انتخاب هنرپیشه!

استودیو ها زمانی که بخواهند فیلمی تهیه نمایند بدنبال یکسری از این آقایان و خانمها میفرستند و آنها را احضار می کنند و بهمه آنها فول دل اول رامیدهند تا بدینوسیله استفاده های نامشروع و با اتفاقاً مشروع از این عمل بنمایند و بیشتر نظر آنها اینست که با انداختن تفرقه بین آنها و ایجاد رقابت، با میزان کمتری آنها را استخدام نمایند. البته در این میان آنها ای که برای خود شخصیت قائل هستند

زیر بار صاحبان استودیو ها نیروی وای باید دانست که تعداد آنها فوق العاده محدود است و بیه حاضر بقول هر نوع پیشنهاد و کاری می باشد و نتیجه این میشود که فیلم های فارسی روز بروز ضعیف بر میگردند زیرا هنگامی که قرار شود را را یک هنرپیشه واگذار شود باید قبل از هر چیز «کارا کتر» وی را هنرپیشه مورد نظر سنجید و ملاحظه کرد که آیا وی میتواند دل مورد نظر را بازی کند یا نه و در غیر اینصورت با شرط این که هر کس بول کمتری گرفت دل متعلق با او است فیلم سرداشت شده آتش شله نامکاری خواهد بود که بطور تناوب مشاهده می کنیم در همه کشورهای رسم است که با هنرپیشه قرارداد منعقد می کنند تا وی در اختیار استودیوی مربوطه باشد و البته حقوق مکفی با او خواهند داد که بتواند زندگی روزمره خود را با آن اداره نماید و در مواقعی که کار فیلمبرداری ندارد به مطالعه و تمرین در زیر نظر استادان مربوطه بپردازد ولی در ایران فقط برای یک فیلم قرارداد می بندند آنهم «قسطی» که بجز قسط اول، بقیه قسطها را بعد از نمایش فیلم و در صورت کار کردن و بول در آوردن آن بتدریج خواهند پرداخت و حالا شما خیال می کنید که یک هنرپیشه ایرانی برای یک فیلم چه اندازه حقوق میگیرد؟ «فرح پناهی» که در حال حاضر کسی نمی تواند منکر محبوبیت و شهرت زیاد وی گردد بعنوان دریافت کننده بیشترین «حق» الزحمه، برای بازی در فیلم «ماجرای زندگی» مبلغ ۳۵۰۰۰ ریال دریافت کرده و دو مقابل مدت یکسال و نیم کار کرده است.



مهدوی



زمانی

بقیه هنرپیشگان، مقدار کمتری را تا بحال دریافت کرده اند ولی نکته جالبی که تا کنون علت آن بر خیر مجهول مانده است که اکثر این هنرپیشگان، با استودیوی مربوطه دو قرارداد یکی ظاهری و دیگری مضمی منعقد مینمایند بدین ترتیب که در قرارداد ظاهری نوشته میشود ملان مبلغ در مقابل بازی در فیلم، به آقای پرداخته میشود، در صورتی که در قرارداد حقیقی مبلغ خیلی کمتری ذکر شده و بهر پیشه پرداخته میشود ولی در مقابل این هنرپیشگان، دسته دیگری هستند که بطور رایگان و با تشبیه هزاران وسیله در فیلمها حرکت می کنند فقط بخاطر اینکه مورد نظر خاله قزی و یا هم تری خود قرار گیرند و با اینکه عده زیادی تری آنها را بشناسند و بازار کارشان بخاطر «هنرپیشه» شدن و بازی در فیلم گرمتر شود اگر شما زمانی به استودیو ها رفت و آمد نماید در بعضی از مواقع چیزهایی خواهید دید که ممکن است برای شما غیر قابل باور باشد. بعضی از زنها و دخترهای مصوم را خواهید دید که از روی ذوق و علاقه باین مراکز روی می آورند و زمانی بعد با یکدیگر ناامیدی و نعر این معمل ما را ترک مینمایند و در بعضی از مواقع صاحبان استودیو ها زن هایی را در فیلمها شرکت میدهند که من حتی هرم دارم نام آنها را ببرم و بگویم در خارج استودیو بچه کاری مشغولند و همین امر باعث میشود اولاً اگر زنان و مردان مفیدی باشند که علاقه و با استعدادی داشته باشند، بخاطر این امکان و برای اینکه در مقابل مردم بیک خوب رانده نشوند از فیلمهای فارسی گریزانند

ماجرای اوسکار

ماجرای اوسکار
خبر از اوسکار در
۱۹۵۲ هنگامیکه برای
اولین بار صورت پذیرفت
ای که مظهر هنر باشد
آمریکایی داشته و این
مصادف سال سی و یکم
عموم و صنایع سینما بود
و تا چندین سال هم
برای هنر و صنعت و برای
فصلنامه مجله «آرپی»
میشد مگر اینجور و همه
این مجله در این جلسه
هیئت رئیس آکادمی وجود
آمد «سدریک گریوز» که
اکنون از اعضای عامه
کیبانی (مترو گلدوین مایر)
است وقتی عقاید مختلفی را
در هیئت رئیس آکادمی
منشی بر اینک باید به
برندگان جوایز اهدا



«مارلون براندو»

شود شنید اظهار داشت که این جایزه
باید بصورت دیگری که مظهر قابلیت و
شخصیت هنری باشد مجسم شود تا دریافت
کننده از ارائه آن مقتضی و از دریافت
این جایزه در خود احساس غرور بنماید
«کیوتز» در موقع صحبت طرخی از یک
هیكل رسم گردوبه آکادمی ارائه داد و این
اولین عکس مجسمه اوسکار بود. هیئت عامه
آکادمی این طرح را پسندیدند و برای این
که مرحله اجرا و عمل در بیاید آنرا
برای «جورج استانی» در لوس آنجلس
فرستادند که در نتیجه کار او مجسمه ای
بوجود آمد که اکنون شهرت عالمگیر دارد
بیکر طلایی بازم بی نام بود تا بیکروز
که خانم «مارگریت هرلیک» منشی هیئت
عامه کنونی آکادمی در حالی که بی اختیار
باین مجسمه می نگریست اظهار داشت
این مجسمه مرا بیاد دهو اوسکارم می
اندازد ولی در همین موقع مخبر یکی از
روزنامه ها که در آن نزدیکی نشسته و با
نظری کنجگار باین منظره نگاه میکرد
فردا در روزنامه اش این طردیده میشد:
«کارمندان هیئت عامه با علاقمندی و
صمیمیت، مجسمه مشهورشان را (اوسکار)
نامیدند و از آنروز بعد این نام بر روی
مجسمه ماند. این مجسمه ۱۰ اینچ طول
و ۷ پوند وزن دارد داخل آن از برون
ساخته شده و بر روی آن روکشی از طلا
ساخته اند و در حدود یکصد دلار ارزش
دارد»

کاندیدهای امسال

معمولا قبل از اینکه جوایز اوسکار

شکست تکنیک های جدید

از سال ۱۹۵۲ که تکنیکهای جدید
از قبیل «سینما سکوپ» «سه بعدی»

برندگان جوایز
WINNERS OF 1954

«مارلون براندو» و «گریس کلی»

موفقیت عجیب و غیر
«ویسناویژن» وجود آمد سر و صدای
زیادی در اطراف شکست تکنیک فلام-
های معمولی بلند گردید و او ششم آراء
سال گذشته و امسال آکادمی نشان داد که
این حدس تا چه اندازه غلط بوده است
زیرا برخلاف پیش بینی در طی دو سال اخیر
دو فیلم سیاه و سفید که با دوربین های
معمولای برداشته شده توانست گوی سبقت
را بر بایند و ثابت کند که فیلم خوب
بسیار بزرگ و برق زیاد و تکنیک جدید
ندارد و بدین طریق یکبار دیگر تکنیک
های جدید شکست خورد

بهترین هنرپیشگان زن و مرد

از میان هنرپیشگان مردی که امسال
کاندید شده بودند «مارلون براندو» به
خاطر بازی در فیلم «در بار انداز» که
داستان آنرا در شماره های گذشته مجله
ترجمه کرده ایم، بعنوان بهترین هنرپیشه
مرد سال بدریافت جایزه اوسکار نائل شد
«مارلون براندو» بیش از چهار سال نیست
که در فیلمها بازی میکند و از وی فقط
فیلم «اتوبوسی بنام هوس» که دومین فیلم
وی محسوب میشود در ایران نمایش داده
شده است «مارلون براندو» اکنون یکی

از محبوب
ترین هنر-
پیشگان
آمریکایی
محسوب می
شود و احتمال
دارد که این
لقب را تا چند
سال دیگر
حفظ نماید
از میان هنر-
پیشگان زن
(گریس کلی)
ستاره جوان
و تازه کار
«الیوود»
برای بازی
در فیلم «دختر
دهانی» موفق
شد که به
هنوان بهترین
هنرپیشه زن



رابرت استیگر - اوامری سنت -
ای از فیلم «در بار انداز» که

سنگار سال ۱۹۵۴ ACADEMY AWARDS

پژوهشگران سال شناخته شدند
«در بار انداز»

مابره اوسکار را دریافت کند «گریس کلی» و بیش از سه سال نیست که وارد هالیوود شده و او این فیلم او «وسط ظهر» نام دارد که در مقابل (کاری کوپر) نقش کوچکی را ایفاء میکنند ولی سال گذشته موفقیت های زیادی در سینما کسب کرده و شهرت زیادی بدست آورد و روی همین اصل در اول در فیلم «دختر دهانی» که قبلا فرار بود «جنیفر جونز» بازی نماید و وی واگذار کردند جوایز درجه دوم اوسکار را «ادموند او براین» - واسطه ایفاء نقش یک خبرنگار در فیلم (کنش-پایرهنه) و (اواماری سنت) برای بازی در فیلم «در بار انداز» دریافت نمودند.

بهترین فیلم سال

فیلم «در بار انداز» محصول کمپانی کلمبیا که بوسیله «سپیگل» تهیه شده توانست رتبه اول را در میان کلیه فیلمهای سال ۱۹۵۴ بدست بیاورد و مجموعاً این فیلم هشت جایزه اوسکار بدست آورد که در تاریخ ۲۷ ساله آکادمی تقریباً سابقه است زیرا جز «مارلون براندو» و «اواماری سنت» الیا کاذان کارگردان این فیلم بعنوان بهترین کارگردان جایزه

- اوسکار را دریافت نمود
- اوسکارهای دیگر این فیلم را هم (بادشولیرک) برای (سناریو و داستان) - «گریس کلی» (چاپ و ظهور) - «دن سلفورد» (و نواز) و (ریچاردی) (مدیر تهیه) این فیلم دریافت نمودند.

جوایز دیگر
فیلم ژاپنی (دروازه جهنم) بعنوان بهترین فیلم خارجی



براندو - کارل مالدن در صحنه فیلم سال معرفی گردید



«گریس کلی» نیز بهترین ستاره سال شناخته شد

سال معرفی گردید و جایزه دریافت نمود کارخانه «پارامونت» نیز بواسطه اختراع و ابداع طریقه «ویسناویژن» بزرگترین جایزه تکنیک را گرفت «دانی کی» هم بواسطه بازی در یک فیلم تبلیغاتی نیم ساعته که طرز توزیع شیر را در ممالک آسیا نشان میدهد جایزه مخصوصی دریافت نمود.

ارزش اوسکار

همانطور که گفتیم جایزه اوسکار بیش از صد دلار ارزش ندارد ولی هیچ وقت ارزش این جایزه مورد نظر نیست بلکه فقط افتخار و اهمیت است که هنر-پیشه دریافت کننده نصیبش می گردد در اوائل کار یعنی در بدو تأسیس آکادمی علوم و صنایع سینمایی این جایزه چندان اهمیتی نداشت و مراسم آن خیلی ساده انجام میگرفت ولی بتدریج در طی ۲۷ سال گذشته شهرت و اهمیت زیادی کسب کرد تا سال ۱۹۳۶ فقط بهترین پیشگامان درجه اول و کارگردانان و فیلمبرداران جوایز اوسکار داده میشد ولی از آن سال بعد جوایزی نیز برای هنر پیشگان درجه دوم که بازی آنها جالب توجه تر از بقیه بود در نظر گرفته شد. اولین مرتبه جوایز اوسکار در ماه مارچ ۱۹۲۸ توزیع گردید و «امیل یاینکس» و «جان کینور» موفق به دریافت این جایزه گردیدند ولی نکته جالب توجه اینست که تاکنون هیچکدام از هنر پیشگان موفق نشده اند این جایزه را برای سه نوبت دریافت کنند از طرف دیگر دریافت این جایزه بسنگی شهرت

ستاره سینما

و با سابقه بازی در فیلمها ندارد طوری که بعضی هنر پیشگان بعد از سالها بازی در فیلمها ممکن است این جایزه را دریافت نمایند از بهترین آنها اوسکار گرفتن «گریس کلی» و «کاری کوپر» در سال ۱۹۵۲ بود و بعضی دیگر نیز فقط برای بازی در اولین فیلم خود این جایزه را دریافت می نمایند که در میان آنها می توان از «جنیفر جونز» «اودری هپبورن» «شرلی توب» را نام برد. هنر-پیشه گانی که تاکنون موفق شده اند این جایزه را دو مرتبه دریافت نمایند عبارتند از «جان کینور» «اسینس تراسی» «بت دیویس» «الیویا د هاسو بلند»

«کاری کوپر» و «فرردیک مارچ» هنر-پیشه ای که این جایزه را دریافت نماید در بین دیگران مشغول شده و استودیوهای برای بدست آوردن وی از هیچ نوع کوششی فرو گذار نکرده و بهترین فیلمهای خود را با شرکت وی تهیه میکنند.

مراسم باشکوه

از آنجائی که علاقه مردم امریکاروز بروز نسبت به برندگان این جوایز زیاد تر میشود امسال این جوایز هنگامی که در نشانی «پانتیج» توزیع میگردد به وسیله دو ایستگاه تلویزیون که در هالیوود و نیویورک قرار داشت در سراسر امریکا پخش گردید و میلیونها نفر از مردم این کشور توانستند این مراسم را برای اولین ببینند ریاست افتخاری جشن با «باب هوب» بود که در طی مراسم توزیع این جوایز که ۹۰ دقیقه طول کشید حضار را سرگرم بود در ساعت ۷ به از ظهر برندگان جوایز اعلام گردید و مطابق رسم آکادمی برندگان سال قبل یعنی «ویلیام هولدن» و «اودری هپبورن» اوسکارهای «مارلون براندو» و «گریس کلی» را دادند در خانه این دو هنر-پیشه تقاضای عکاسان و به خاطر علاقمندانشان در حالی که از ذوق می خندیدند حاضر شدند یکدیگر را در مقابل ۱۶۰۰ نفر اعضاء حاضر در جلسه بیوسند

FRED ZINNEMANN **فرد زینمان**

کارگردان هنرمندی که شاهکارهای فنا ناپذیری بجهان سینما عرضه داشته است



در سال ۱۹۳۰ در جشن باشکوهی که هر ساله در شهر زیبای «هالیوود» بر پا می گردد تمام کمپانی های فیلمبرداری آمریکا شرکت داشتند و بهترین فیلمهای سال را که بتوسط هنرمندترین هنرپیشگان بازی شده بودند عرضه نمودند.

این مسوول و جشن عظیم مأموریت داشت که بهترین فیلمها و هنرپیشگان سال را معرفی نماید و جوایز معروف اوسکار را به آنان اهداء کند. بعد از آنکه فیلمها به ترتیب نمایش داده شد و رای اعلام گردید معلوم شد که فضیلت با اتفاق آراء، فیلم «در جبهه غرب خبری نیست» را بعنوان عالی ترین و بهترین محصول سال معرفی کرده اند. این موضوع فوق العاده باعث تمجید حضار گردید زیرا اولین فیلمی بود که فرد زینمان کارگردان تازه کار جهان سینما تهیه نموده بود و بدین ترتیب (فرد زینمان) موفق شد جایزه اوسکار را بدست آورد.

(فرد زینمان) در کودکی آرزوی جز این نداشت که روزی بتواند در دنیای کلام کارگردانان مشهور آمریکائی قرار گیرد. این آرزو روز بروز در او تقویت میشد، اما (فرد) تقریباً ناامید بود زیرا والدینش با این موضوع مخالفت می کردند ولی (فرد) خردسال هیچوقت از بسا نشست و در ناپیشانی که در مدرسه شان بسر می برد همیشه جزو کارگردانان نمایش محسوب می گردید.

بعد از چندین پدرش تغییر مأموریت یافت و (فرد) و خانواده اش به «مکزیک» رفتند و (فرد زینمان) تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را شروع نمود. (فرد) از کودکی نسبت بفن نجاری علاقه فراوانی از خود نشان میداد و بدین جهت بازده ساله بود که ساختن يك صندلی کوچک پرداخت، پدر و مادرش همیشه بدومی گفتند که انجام چنین کاری برای کودکی بسن تو خیلی عجیب است ولی (فرد زینمان) باین حرفها و قوی نمیکند داشت و کار خود را ادامه میداد و بارها اتفاق می افتاد که دوستان و والدینش ساعتها اطراف او می نشستند و بدون جزئی کمکی او را مینگریستند.

(فرد) بالاخره بعد از مدتها تحمل مشقت و رنج صندلی خود را بیابان رسانید و هنگامی که روی آن نشست، صندلی شکست و او را مأیوس نمود. پدرش موقعی که خبر این حادثه مضحك را شنید از جدیت و پشتکار فرزندش و از اینکه بالاخره او

در کار خود موفق شده حسود گردید و به عنوان پاداش و تشویق يك صندلی کوچک و زیبا برای او خریداری نمود. بعد از این واقعه (فرد زینمان) از رشته نجاری «دلسرد» گردیده و بسبب تحصیل و کسب معلومات و مشاهده فیلمهای سینما نسبت بشغل هنر-پیشگی و کارگردانی فیلمها یکنوع علاقه مخصوصی در خود احساس می کرد و اتفاقاً پدرش هم که در ابتدا مخالف بود با این فکر پدرش هم عقیده گردید و او را برای فرا گرفتن این فنون بکلاس مربوطه فرستاد. (فرد زینمان) در طی دورانی که در کلاس مزبور بود در قسمت های مختلفه سینما ترقیات فراوانی نمود.

بعد از اتمام دوره کلاس مربوطه برای اولین بار با کمک یکی از تهیه کنندگان فیلمهای آمریکائی فیلم مکزیک «عاصبان آلوارادو» را تهیه نمود و این فیلم دکومانتري یکی از محصولات زیبنده آن کشور شناخته شد. این فیلم برای فرد محبوبیتی کسب نمود زیرا اوست کمک کارگردان داداشت بدین جهت مکزیک را به عزم آمریکا ترک نمود و بزودی توانست در ردیف کارگردانان معروف قرار گیرد و اولین فیلم کامل خود «در جبهه غرب خبری نیست» را تهیه نمود. این فیلم همان طور که ذکر شد در سال ۱۹۳۰ عالیترین محصول سال شناخته شد و جایزه اوسکار به (فرد زینمان) تعلق گرفت.

سومین اثر مهم او «چشمهادرشب» نامداشت و این فیلم بعد از «در جبهه غرب خبری نیست» کامل ترین فیلمی بود که او تهیه کرده است (فرد زینمان) هنوز فیلم «چشمهادرشب» را بیابان نرسانده بود که او را برای تهیه فیلم «صلیب هفتم» در نظر

گرفتند. (فرد زینمان) در تهیه فیلم (صلیب هفتم) چنان فوفا می کرد که تقریباً تا آرزو سابقه نداشت و شهرت او چنان بالا گرفت که کمپانی «مترو کلدوین مایر» که از مسدندی پیش در جستجوی کارگردانی برای فیلم تازه خود موسوم به «جستجو» بود دست نیاز بطرف کمپانی «کلمبیای» دراز کرد و (فرد زینمان) را برای کارگردانی فیلم جدید خود بقرض گرفت.

(فرد) پس از فسخ قراردادش با کمپانی «کلمبیای» در صدد تهیه فیلمی بنام «ترزا» برآمد و بدینحال ستاره ای می گشت که بتواند دل «ترزا» را ایفاء نماید و بعد از تحمل هزاران مشقت و زحمت «بی بر آنجلی» ستاره جوان ایتالیائی را برای نقش مرد در نظرش انتخاب کرد (فرد زینمان) پس از اتمام فیلم ترزا قرارداد طولی المدتتی با کمپانی (یونایتد آرتیستس) منعقد نمود و فیلمهای «وسط ظهر» با شرکت «کاری کوپر» و (مردان) با شرکت (مارلون براندو) را در آنجا کارگردانی نمود.

سال قبل با تهیه فیلم اجتماعی (از اینجا به ابدیت) برای دومین بار موفق باخذ جایزه اوسکار گردید و نام او در ردیف بزرگترین و معروفترین کارگردانان جهان قرار گرفت. از فیلمهای جدید (فرد زینمان) باید فیلم تمام رنگی (او کلاهها) را نامبرد که در فیلم اخیر «کوردون مگری» و «گلوریا گراهام» عهده دار نقشهای نخست آن هستند.

حسین انتصاب

با کمال شادمانی انتصاب جناب آقای مهندس علی بناهی را که از خدمتگزاران صدیق و لایق کشور هستند بعمارت کل اداره تبلیغات صمیمانه تبریک عرض نموده توفیق و کامیابی ایشان و همه خادمین وطن را در خدمتگزاری مسئلت مینماید.

سیامک پورزند

بشارت بدو مستداران

کتاب نفیس

بنگاه مطبوعاتی گوتمبرگ که همیشه عالیترین آثار نویسندگان بزرگ جهان را انتشار داده و در دسترس علاقمندان میکند ارد اکنون نیز انتشار سه اثر نفیس موسوم به «آناکارینا»، «تاراس بولبا» و «بادداشت» های فیلم مارشال رومل را بعلاقمندان بشارت میدهد.

نشانی: خیابان منوچهری
بنگاه مطبوعاتی گوتمبرگ

بزودی روی پرده سینمای جهان

فیلمی بنام (مردی از تگزاس) تهیه کرده و بطوریکه در آگهی های خود متذکر میشود بهترین فیلم وسترن سال کیبانی بشمار میرود. در این فیلم جان پین هنرپیشه معروف دل کلاقترایالت تگزاس را بعهده دارد. مونافرین و (لی-ج-کوب) نیز در این فیلم شرکت دارند. این فیلم برخلاف تمام فیلم های وسترن بطور رنگی و با سینماسکوپ تهیه شده است.

•• فیلمبرداری فیلم «بابا پادراز» که کیبانی فوکس آنرا بطریقه سینما سکوپ و تمام رنگی تهیه میکند، پایان رسید. کارگردان فیلم «ژان نگولسکو» کارگردان فیلم معروف «جانی بلیندا» میباشد که با شرکت هنرپیشگانی چون «فرد آستر» و رقاصه مشهور فرانسوی «لسلی کلون» و «تری مور» فیلم فوق دانهی کرده است.

•• کیبانی فوکس قرن بیستم هیتنی به مکزیک فرستاده است تا فیلمی بنام «سره بک» که از ماجراهای مردم مکزیک اقتباس شده در آن کشور تهیه نماید. «مورین اوهارا» و «آنتولی کولین» رلهای اول فیلم را بعهده دارند. ضمناً «لولا آلبرایت» نیز در این فیلم شرکت دارد. کیبانی فوکس فیلم فوق را بطریقه سینما سکوپ و «ایستمن کالر» که نوعی رنگ آمیزی جدید است تهیه مینماید.

مقابل بت دیویس را بعهده خواهد گرفت. فیلمبرداری این فیلم در ماه آوریل سال جاری شروع خواهد شد.

•• یکی از مشهورترین فیلمهای آینده بطوریکه از حال سروصدای زیادی در باره آن پیدا شده فیلم «ما رنگی و سینما» سکوپ «یک شبی باشکوه» خواهد بود که توسط کیبانی فوکس قرن بیستم تهیه میشود. جنیفر جونز و ویلیام هولدن در هنرمند عالم سینما در مقابل یکدیگر در این فیلم ظاهر میشوند و بطوریکه منتقدین مجلات مختلف سینمایی حدس میزنند این فیلم یکی از فیلمهای درام عشقی سال خواهد شد و جایزه اوسکار نیز مسلماً بآن تعلق خواهد گرفت.



تونی کرتیس

•• (تونی کرتیس) اخیراً بعنوان یک هنرپیشه که در سال پیش از سایر هنرپیشگان در فیلمها شرکت مینماید شناخته شده است زیرا به مجرد اتمام فیلمی در فیلم دیگری ظاهر می شود و اخیراً نیز در فیلم (سالهای بیخبری) با تفاق «کلن میلر» و (آرتور کنندی) شرکت کرده است. کارگردان این فیلم (رودولف مانه) میباشد که آنرا از نوع تکنیکال در کیبانی یونیورسال اینترنشنال تهیه مینماید. •• یکی از فیلمهای خوب کیبانی فوکس قرن بیستم فیلم تمام رنگی و سینما سکوپ (مردی که پترو نامیده میشود) می باشد که موفقیت زیادی پیدا کرده است. کتاب فوق که نوشته کاترین ماسدال نویسنده مشهور آمریکائی است جزو کتابهای پر فروش آمریکا شده است. در این فیلم هنرپیشگانی چون ریچارد نود و جین پیترز شرکت دارند و کارگردان آن هنری کاستر ریچرود مشهور و کارگردان فیلم (دزیره) میباشد این فیلم بطریقه دولوکس رنگ آمیزی شده است.



ریتا گام

•• (آتش جادو) نام یک فیلم تمام رنگی کیبانی ریپابلیک میباشد که اخیراً مابش آن غوغائی پیا پیانوده است. کیبانی ریپابلیک که اخیراً دست تهیه فیلمهای عالی زده است این فیلم را نمونه فیلمهای آینده خود معرفی نموده است. در این فیلم هنرپیشگانی چون (ایوان دو کارلو) و (کارلوس تامپسون) و (ریتا گام) شرکت دارند. ضمناً (والنتینا کورتزا) ستاره زیبای ایتالیائی که (مرد سرگردان) او را در تهران دیده ایم نیز در این فیلم هنر نمایی مینماید. •• کیبانی ریپابلیک که بیشتر فیلم های فهرمانی و وسترن تهیه میکند اخیراً

•• بت دیویس هنرمند نامی دوباره بعد از چند سال از طرف کیبانی فوکس دعوت شده است تا در فیلم (سروالترالی) در دل ملکه الیزابت شرکت نماید. بت دیویس با وجودیکه اکنون پیر شده ولی طرفداران زیادی دارد و کیبانی فوکس کسی دیگر را شایسته تر از او برای ایفای دل ملکه الیزابت پیدا نکرد. در این فیلم ریچارد بارتون هنرپیشه مشهور آمریکائی دل



مورین اوهارا

(ر-ا)

تاریخ سینمای آمریکا

(۲)

در شماره گذشته یکی از دوستان ما قسمت اول این کتاب را برای خوانندگان عزیز ترجمه نمود ، اما بعلمت اینکه فعالیت تازه‌ای برای ایشان پیش آمده بود ، نتوانستند آنرا ادامه دهند لذا ما بقیه این کتاب جلد را برای شما ترجمه میکنیم .

در سال ۱۹۰۵ همین استودیو دو فیلم دیگر به نام «کامپانیا» و «تجسس» تهیه نمود. طول این فیلم ۳۵۰ متر بود. در سال ۱۹۰۶ محل استودیو را تغییر دادند و (موریس کاستلو) و (فلورانس ترنر) و (ماس نورماند) را استخدام نمودند که در فیلمهای جدیدشان بازی کنند.

در این وقت (جان بانی) هنرمند کمدی مشهور که قبلاً در استودیوی (ویتاگراف) استخدام شده بود با (فلورانس) مشغول تهیه فیلمهای کمدی جدید بود. وی نمایش فیلم (ماشین نویس جدید) در سال ۱۹۱۰ شهرت او را بیش از حد زیاد نمود. در این زمان (هوگی ماک) که بعلمت چافی زیادش در فیلمهای کمدی شرکت میکرد مشهور شده بود و تقریباً رقیب سرسختی برای (بانی) محسوب می‌گشت چه او میخواست تنها کمدین سینمای آن عصر باشد.

(ادوین نانورز) تهیه کننده فیلم (رمزد و هزار دلار) هنگامی که با هنرپیشه گان خود برای تهیه فیلم بصحرا رفته بود صبح هنگام که از خواب بیدار شد همه صحرا و دگرهای اسپانیایی خود را پوشیده از برف دید. هنگامیکه هنرپیشگان میخواستند بطرف منزل خود حرکت کنند آقای کلر گردان فریاد زد «نه! نروید! ما در همین جا فیلمی که موضوع آن در صحرای سیبری اتفاق افتاده باشد تهیه میکنیم!». و دوروز بعد این فیلم تمام شد بقسمی که همان سناریوی اسپانیولی را قدری تغییر داده و فیلمی روسی بوجود آورده بودند.

از ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۶ همه تهیه کنندگان فیلمها بر روی بامها کار میکردند و از آن جمله بر روی بام (گران ساترال بالاس) بود که در سال ۱۸۹۸ فیلم معروف (شرح شکنجه و مصائب مسیح) (ع) بوسیله Eaves Hollamand تهیه شد.

استودیوی (ویوگراف) اندموتوسکوپ برای اولین بار از نور مصنوعی استفاده نمود و این نور هنگام مسابقه بوکس مورد استفاده قرار گرفت و در دست لامپ در تمام جریان مسابقه بازیکنان را غرق در نور کرده

بود یکی از اولین فیلمهایی که بوسیله (۱- پروتر) در استودیوی «ادیسون» تهیه شده بود (زندگی یک کارگر آتش-نشانی) نام داشت و مدت نمایش آن شش دقیقه بود. در سال ۱۹۰۳ (پروتر) دو ستاره جدید استخدام نمود که عبارت بودند از (جرج باگز و فرانک هاناوی) و مد (ماکس اندرسن) باین دو نفر افزوده شد اما بعدها بعلمت عدم توافق به شیکاگو رفت.

در اوایل سال ۱۹۰۸ بود که اندرسن از شیکاگو به کالیفرنیا آمد و در این جا بود که فعالیت خستگی ناپذیر سینمایی خود را با سری فیلمهای (برونکویلی) آغاز نمود شماره این فیلمها سیصد و هفتاد و شش بود. این فیلمها هر هفته یکی تهیه میشد.

بعدها یعنی در سال ۱۹۱۴ (آندرسن) چارلی چاپلین را با خود همکار کرد. در سپتامبر ۱۹۰۶ رئیس جم-ور آمریکا (Mc Kinley) دارقانی را وداع گفت و فیلمهای تشییع جنازه و تدفین او که شروع فیلمهای (آکتو آلیته) است مردم را بدین نوع فیلمها راجب ساخت. اما دیگر تجدید نگردید.

استودیوی (ویوگراف) جای خود را به خیابان چهارده انتقال داد و نام رسمی و ثبتی (میتوسکوپ) اند بیوگراف پرودا کشترا را اختیار نمود. این استودیوها بعدها لقب (کهوارة محصولات سینمایی آمریکا) را گرفت و بهترین و هنرمندترین هنرپیشه‌ها و ستارهای آنها و تهیه کنندگان تهیه اول قرن بیستم از اینجا بیرون آمدند.

در سال ۱۹۰۲ (دیوید هارسل) در (بایون) استودیوی درست کرد و در سال ۱۹۰۸ رسماً شروع بکار نمود. این استودیوها که بعدها با اشخاص دیگری شرکت نمود نام (Kalem) را اختیار کرد. این استودیو اولین سری فیلمهای (وسترن) را تهیه نمود.

(جرج ملفورد - روبرت ویگنولا) دو تهیه کننده بزرگ و عالی قدر از همین استودیو بیرون آمده اند.

در اوایل سال (۱۹۰۸) اداره

کنندگان (کالم) فیلم جدیدی از (Ben-Hur) تهیه نمودند و در او اسطه همان سال استودیوی دیگری در فلوریدا بنا گذاشتند که فیلم (عشق در اورگاید) از محصولات آنجا است (آلیس جویس) نیز یکی از ستارگان این استودیو بود. در سال ۱۹۱۱ «کالم» استودیوی دیگری در کالیفرنیا تأسیس نمود.

(سیندی اوکلان) و (جین گاونیتر) که در عین حال هنرپیشه و ستارهای بودند بطرف مشرق حرکت کردند تا فیلمهای جدیدی تهیه نمایند و مشهورترین این فیلمها (از آخور تا صایب) بود که در فلسطین تهیه شده بود.

در سال (۱۹۱۵) استودیوهای «کالم» و «ویوگراف» و «اوبین» و «ادیسون» از بین رفتند.

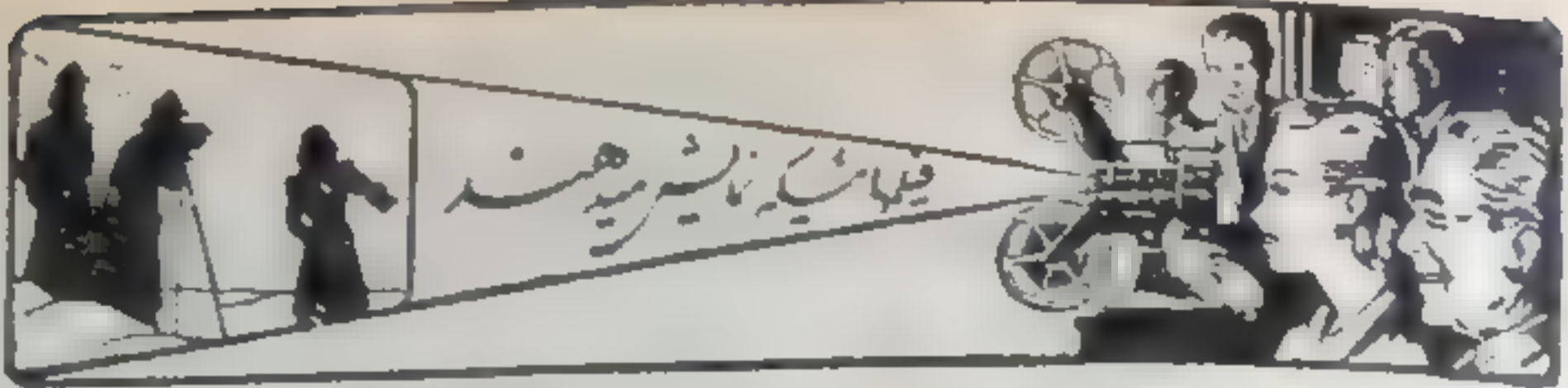
(استوارت بلاکتون) در استودیوی (ویتاگراف) فیلم (زندگی حضرت موسی) را تهیه نمود که طول آن از همه فیلمهای آنوقت زیادتر بود. و در همین وقت (جنرال فیلم) برای آنکه عقب نماند، باشد فیلمهای طولانی بیازداد.

(زیگموند اوبین) در فیلادلفیا استودیو-های متعددی ساخت و یکسری فیلمهای سندی از روی زندگی حیوانات تهیه نمود و بزرگترین متور آنسن و هنرپیشه این استودیو (رومن فیلدینگ) بود، و بعدها هنرپیشگان دیگری با استخدام این استودیو- در آمدند.

در سال ۱۹۰۹ بود که رئیس تبلیغات استودیو ویتاگراف تصمیم گرفت نام هنرپیشه گانی را که تا آنوقت محبوب بودند و با نام مستعار روی پرده میآمدند منتشر سازد، نخست (مسوریس کاستلو) و (فلورانس ترنر) و دختر بچه کوچکی بنام (آدل دولاکارد) را معرفی نمود.

(کارل لیل) در خیابان ۱۱ استودیوی کوچکی اجاره کرد و آنرا (آکتوفون) نامید و فیلم (هایاواتا) را در همانجا تهیه نمود.

در این وقت یک تاجر بنام (بی) ویک ناشر و (آدان کسل) و (چارلز بومان) سرمایه‌های خود را روی هم گذاشته و (فرد بلاشفر) شرکت کردند تا در صحرای «بروکلین» فیلمی تهیه نمایند. این فیلم (شرافت پسر از ارت معروف شده) نام داشت. و بازیکنان این فیلم بترتیب سه نفر از شرکاه بودند که رلهای عمده را داشتند و با همین فیلم استودیو و شرکت (بیزون) تأسیس یافت.



چهار راه حوادث

بازیکنان : ملک مطیعی - آرمان - قهرمانی - مورین - کارگردان: سامول خاجیکیان - محصول دیانا فیلم «چهار راه حوادث» هفتین محصول استودیوی «دیانا فیلم» بعنوان هدیه نو- روز سال ۱۳۳۴ در چند سینما مدتیست به عرض نمایش گذاشته شده است استودیوی «دیانا فیلم» تهیه کننده این فیلم برخلاف همکاریهای سابق میبکند تا آنجا که امکان دارد محصول کم و لی با دقت زیاد تهیه نماید بطوری که اگر «گلنساء» اولین محصول این استودیو را با چهار راه حوادث مقایسه نمایم تفاوت فاحشی بین آنها خواهیم یافت و در طی این مدت سعی شده تا آنجا که شرایط اجازه می دهد در رفع نواقص محصولات خود بکوشد. چهار راه حوادث همانطور که انتظار میرفت مورد استقبال مردم هنردوست ایران واقع گردید و گو- اینکه با ۹۰ فیلم فارسی که تا کنون در ایران تهیه شده و به عرض نمایش در آمده اند اختلاف زیادی دارد ولی این امر مانع از این نخواهد بود که آنرا یک فیلم عالی و بدون نقص بدانیم. «چهار راه حوادث» ایراد و نواقص چندی دارد، که تهیه کنندگان آنهم به این موضوع اذعان دارند بعضی از این ایرادات بواسطه نقص وسائل و قسمتی دیگر بر اثر اشکالاتی بوده که خوانندگان گرامی از آن بی خبرند ولی آنچه که سلیست کارگردان تهیه کننده این فیلم تا سر حد امکان سعی و کوشش خود را بکار برده اند تا قبلی بدون نقص بهم میهنان خودشان تقدیم دارند. سناریوی فیلم «چهار راه حوادث» وسیله

سامول خاجیکیان نوشته شده و گویند برای تنظیم «دیالوگ» در کیسبون تحت مدافه قرار گرفته است ولی متأسفانه باید گفت که این کیسبون کار مثبتی انجام نداده است زیرا اگر «دیالوگها» طولانی و بی سر و ته و بی جهت وارد و توسط هنر پیشگان دکلامه میشود ما نکته مهم صدا برداری این فیلم می باشد زیرا اگر خوانندگان متوجه شده باشند اشخاصی بجای هنر پیشگان صحبت کرده اند که هیچگونه تناسبی با شخصیت آنها نداشته اند مثلاً چند نفر با صداهای مختلف بجای «نادرخان» صحبت کرده اند که بایستی در فیلمهای سدی استودیو این موضوع رعایت گردد. فیلمبرداری این فیلم را دو نفر یعنی آقایان «ژرژ» و «واهاک» انجام داده اند اما باید گفت که در این مورد دقت زیادی بکار نرفته مخصوصاً در مورد چاپ آن لازم بود دقت بیشتری بکار برده شود. موشاف این فیلم را که «سامول خاجیکیان» انجام داده ماهرانه بوده و میتوان گفت که کمک بسیار بزرگی در موفقیت این فیلم نموده است درباره هنر پیشگان گویند که شاید بواسطه اشکالاتی در تیب آنها زیاد مصالحه بعمل نیامده ممبذا نمیتوان منکر بازی خوب «آرمان» در نقش سنیم و «مورین» و «کیانی» گردید اما موقتی آرمان از کادر خارج میشود که تماشاچی انتظار

تورا ندارد و تسلیم وی بدست بنده عدالت تا اندازه ای برای تماشاچیان ناممکن است بازی ناصر ملک مطیعی در این فیلم نسبت به فیلمهای سابقش تا اندازه ای پیشرفت کرده و ویدا قهرمانی که سینمای جدید سینمای ایران است و برای اولین بار در این فیلم ظاهر میشود در خود را تحریر کرده و کرده است و در یک مثنی این فیلم از صفحات کلاسیک و فیلمهای خارجی اقتباس گردیده و برعکس فیه فیلمهای فارسی حتی المقدور از آنها بعد استفاده شده است آوازه های ایرانی این فیلم مخصوصاً آنرا که در کارخانه خوانده میشود علاوه بر این که خواننده اش معلوم نیست (از نظر می رسد صحنه بیود شای «مهریوان» بقدر زیاد از ارزش این فیلم کاسته است و اگر تهیه کنندگان این فیلم خیال میکنند تا این قبیل صحنه ها بتوانند تماشاچی را بسینما جلب کرد کاملاً در اشتباهند. در قسمت آخر فیلم معلوم نیست چگونه «ناهید» از وجود «فرید» در بیمارستان اطلاع پیدا میکند که با آنجا میرود. علاوه بر این مصداق معمول «ناهید» بایستی باغوش «فرید» بنام بپرد و صولاً بر خورد این دو نفر بعد از مرگ هم اثر فیلم را در تماشاچی از بین میبرد. کلا گردانی «چهار راه حوادث» را «سامول خاجیکیان» انجام داده و می توان گفت که کاروی تا آنجا می که برای او امکان داشته بهر حال جالبی انجام گرفته و امید است در فیلمهای بعدی وی بتواند نواقص جزئی کلا خود را رفع نماید «چهار راه حوادث» با اینکه فاقد آریزه کلا بهای یک فیلم خوب است ولی تهیه آن ویدی برای پیشرفت سینمای ملی ما میباشد و از غصه هنر نشویق این فیلم فارسی را حتماً باید دید. (ا.م.)



«آرمان» در صحنه حساسی از فیلم «چهار راه حوادث»

چون بواسطه ازدیاد مشغله و کسالت دیگر نمیتوانم در تنظیم و انشاء مجله ستاره سینما سه می داشته باشم لذا استغفای خود را از سردبیری این مجله اعلام کرده و پیشرفت و کامرانی کلیه دوستان و همکارانم که در این مدت یکسال بنده را رهین کمک و مساعدت های خود کرده اند، از خداوند متعال خواستارم. کاظم اسماعیلی

از اینجا با بدایت FROM HERE TO ETERNITY

هر پیشگان: برت لنکستر (میلتون واردن) - موننگامری کلیفت (رابرت پرویت) -
 دیورا کار (کارن) - فرانک سیناترا (آنجلو ماتیو) - دونارید (فلوریز) کارگردان:
 فردزینمان - محصول کمپانی کلمبیا

ترجمه: بهرام ری پور

- در محل سابق طرز کاوشما چطور
 بوده است و بچه دلیل تفضای انتقال باین
 مکان را نموده اید؟ پرویت پس از يك لحظه
 درنگ گفت:

قبل از این که تفضای انتقال باین
 مکان را بکنم در محلی که خدمت میکردم دو
 سال تمام اولین شیورچی گروهان بشمار می
 رفتم... پس اتمام این مدت می بایستی مرا
 بسرجوخگی ارتقاء دهند ولی بعوض من
 يك شیورچی جدید را که فقط پانزده
 روز بود باین کار اعانتال داشت و تنها بخاطر
 اینکه مشت زن خوبی بود باین مقام
 برگزیدند.

- من بلیاقت شما اطمینان دارم و در
 ضمن این را هم باید بگویم که از افراد
 خیره سر بدم می آید. آنگاه کاپیتن بالهن
 ملایمی افزود:

- امیدوارم در اینجا شما بسرجوخگی
 و بالاتر از آن نیز ارتقاء یابید و من شما را
 بامیل بگروهان خود خواهم پذیرفت ولی
 تا وقتی که من مشت زنی شما را در حضور
 سربازان ندیده ام از پوشیدن اولیفورم
 خود داری خواهید کرد... سربازان من

رسیدند با شرف و مسرت بازوان خود را گشوده
 و یکدیگر را در آغوش کشیدند. سربازی
 که مسلح بود گفت:

- پرویت... چطور شد که باینجا
 آمدی... مگر تو در قلعه «چپتر» خدمت
 نمی کردی؟

- من خودم تفضا کردم که مرا باینجا
 منتقل کنند. نام مرا جزو اسامی سربازان
 گروهان دوم نوشته اند.

ما کیوبا چهره بر مسرتی گفت:
 - پس باین ترتیب تو داخل گروهان
 ماشده ای، من خبر ورود تو را باطلاع
 سرگروهان خواهم رساند.

- راستی می خواستم بیرسم گروهان
 شما کیست؟
 - او را «واردن» می نامند، وی
 شخصی جدی و نسبتاً خشن است.

در این موقع فرمان آماده باش داده
 شد و سربازان هر يك بصوف خود مراجعت
 کردند. کاپیتن هولس بصف منظم سربازان
 نزدیک شد و گفت:

- سرباز جدید جلو بیاید. پرویت
 نزدیک شد و آنگاه کاپیتن ادامه داد:

- یک دو یک دو...
 در حیاط وسیع سربازخانه بندر
 «پول هدر بور» چهار دسته از گروهان
 مسلح ارتش آمریکا مشغول تمرین بودند
 تمام سربازان در حالیکه تفنگهای خود
 را روی شانه راست فراد داده بودند،
 با گامهای همبرده و منظم بفرمان سر
 گروهان حرکت می کردند... لباسهای
 ناساناسی و هم رنگشان جلب توجه
 میکرد.

سال ۱۹۴۱ شروع شده بود... این
 دسته از سربازان که مدافعین جزیره
 هاوانی بشمار میرفتند، دستورا کید برای
 آمادگی در مقابل حملات احتمالی نیروهای
 ژاپن از مرکز دریافت داشته بودند،
 گروهان مزبور دفاع از بندر «پول
 هار بور» واقع در اقیانوس آرام را نیز
 بعهده داشت.

گروهان فرمان ایست و سپس راحت
 باش داد... صف منظم سربازان بهم
 خورد، یکی از سربازان وقتی فرمان
 راحت باش صادر شد با عجله بطرف سرباز
 غیر مسلحی که در يك گوشه ایستاده بود
 روان شد... وقتی آنها مقابل یکدیگر



گروهان واردن هر شب باتفاق (کارن) بکنار ساحل میرفتند گروهان واردن (پرویت) را بگوشه ای برده و از او پرسید...



همه باید مشت زنه‌های قابلی باشند.
 پرویت سرش را بلامت نفی تکان داد و گفت:
 - خیلی متأسفم از اینکه ناچارم پیشنهاد شما را رد کنم... برای اینکه من مدت‌ها است مشت زنی را ترک کرده‌ام.
 - پس باین ترتیب شما از اینکار امتناع میکنید؟
 - آری... از وقتی که در یک مسابقه حریف من چشمان خود را از دست داد و کور شد تصمیم گرفته‌ام برای همیشه از این عمل وحشیانه اجتناب کنم.
 - ولی وقتی انسان دستکش بوکس را بدست می‌کند، باید فیلا فکر همه چیز را کرده باشد... شما که واقعا قصد نداشتید حریف خود را نابینا سازید و آنکه خیلی‌ها بایک ضربه دیگر از جا بر نهانسته‌اند...
 - خیلی متأسفم کاپیتن... تصمیم من قطعی است!

کاپیتن اصرار داشت که «پرویت» در مسابقه مشت زنی شرکت کند

از صاف خارج شوید.
 پرویت از صاف خارج شد و جلو آمد.
 گروهیان دون که فرصت را برای اجرای مقصود خود مناسب میدید، اخمهایش را در هم کشید و گفت:
 - آماده... قدم رو... درست قدم بردارید... بجای چپ... ایست... بر راست راست... زانو بزنید... بلند شوید... این حرکت را تکرار کنید! در حقیقت گروهیان دون با فرمانهای بی در پی خود، از جوابهای منفی پرویت و امتناع او از مشت زنی انتقام میکشید، وقتی گروهیان خوب پرویت را خسته کرد تفنگش را گرفت و پس از یک معاینه از قیصر بودن آن اظهار عدم رضایت کرد.
 سر گروهیان در دفتر خود مشغول کار بود که کاپیتن با عجله وارد شد و گفت:
 - واردن... من امشب کار مهمی را باید انجام بدهم... خواهش می‌کنم در غیاب من مراقب کارهای گروهیان باشید من بشما اطمینان دارم خیلی متشکر خواهم شد.
 مطمئن باشید کاپیتن... کاپیتن «هواس» خارج شد، چند دقیقه مدتی واردن دفتر خود را ترک گفت باران شدت می بارید، واردن با عجله بطرف خانه کاپیتن برای افتادن... یک لحظه مدتی در خانه ایستاده و رنگ را مشاهده کرد.
 همسر کاپیتن در را بزوریش کشود واردن گفت:
 نا تمام

از -الن مجاور صدای فریاد و تشویق سر بازاری که مشغول تماشای مشت زنی همقطاران خود بودند، بگوش می رسید. در این هنگام گروهیان «دون» معاون سر گروهیان واردن وارد اطاق شد و گفت:
 - بهتر است شما با سالن مجاور رفته و مشت زنی سر بازان را تماشا کنید، گروهیان ما با افراد تنبل احتیاجی ندارد! پرویت سردی جواب داد:
 - من بارها گفته‌ام و باز هم تکرار میکنم که تصمیم من قطعی است... از من انتظار مشت زنی نداشته باشید.
 يك لحظه بعد «آیک گالویج» رئیس پایگاه بدون اینکه توجه کسی را جلب نماید، وارد اطاق شد... ظاهراً بسختی آنها گوش داده بود، از اینرو چند قدم جلو آمد و رو پرویت نود و گفت:
 - من فرمانده این پایگاه هستم... باید تذکر بدهم که در اینجا سر سختی و لجباعت نتیجه خوبی در بر ندارد. شما شخص لجوجی هستید...
 - هر کار که می‌خواهید بکنید... شما بازور نی نوانید مرا روی رینگ بفرستید.
 فردای آنروز فکر گرفتن انتقام از پرویت، گروهیان دون را آرام نمی گذاشت... هنگامیکه سر بازان با صدف منظم خود در حرکت بودند با خشم فریاد زد:
 - پرویت... شما هنوز پس از پنجسال خدمت، راه رفتن را هم بلد نیستید... زود

کاپیتن با خشم گفت:
 - بسیار خوب... خواهیم دید... و سپس دور شد.
 پس از رفتن کاپیتن سر گروهیان واردن دستهایش را دوستانه روی شانه پرویت گذارد و آرامی گفت:
 - کاپیتن فوق‌العاده به پیروزی مشت زنه‌های گروهیان علاقمند است و میل دارد همیشه تیم بوکس گروهیان او بر سایر تیمها برتری داشته باشد... خواهش میکنم تقاضای او را رد نکنید و مطابق میل او رفتار ننمایید... وقتی که کارها مطابق میل کاپیتن باشد، من راحت خواهم بود و وقتی که من راحت باشم با آرامش خاطر بکارهایم می‌روسم.
 چند لحظه بعد سر گروهیان واردن پرویت را بجایگاه مخصوص لباس پایگاه راهنمایی کرد، نزدیک جایگاه لباس دری باز شد و یک زن جوان روی آستاله در ظاهر کشت و بابتسی به واردن گفت:
 - واردن... آیا اطلاع دارید شوهر من کجا رفته است؟
 - کاپیتن برای انجام کارهای اداری به شهر رفته است.
 - من هم اینطور فکر می‌کردم...
 - بامن کاری داشتید؟
 - نه متشکرم...
 زن جوان با جواب نفی خود، لبخند شیرینی را نیز توأم ساخت... همسر کاپیتن سپس دور شد... نگاه سر گروهیان واردن با علاقمندی او را بدرقه می‌کرد.
 پس از اتمام کار، ماکو و پرویت، دو دوست قدیمی مشغول تفریح و صحبت

هنرمندان اینطرف برده سینما سرگذشت آن دو نفری است که وارد سینما شدند و پالتوهایشان را روی صندلی مجاور خود گذاشتند و نشستند. پس از چند دقیقه اولی پرسید - چرا رویت را با آنطرف بر گردانده ای و بفیلم توجهی نداری! دومی چیزی نیست. پالتوی خودم نگاه می کنم که کسی آنرا نبرد. مال ترا تقریباً ده دقیقه پیش بکنفر پوشید و رفت!



از شیرین کاریهای آپاراتچی سینما!

یکی از فیلمهای بنجل مصری دانشان میدادند و مدیر سینما هم در سالن قدم میزد تا اثر فیلم را در مردم مطالعه فرماید. تماشاچیان سراپا گوش بودند و «فیلم هنری» در حق روح آنها تأثیر کرده بود فقط صدای یکی از این مردم هنر ناشناس دم بدم چرت تماشاچیان را پاره میکرد. مدیر سینما جلورفت و گفت - آقا خواهش می کنم قدری آهسته تر بخوانید.

- اختیار دارید... بنده اصلاً سواد ندارم... این صدای خمیازه بنده است.

از دواج هالیوودی!

هنرپیشه زن به شوهرش فردا که من مردم تو قدر مرا خواهی فهمید. باید بگردی تا زنی مثل من پیدا کنی. شوهر - کی بتو گفت که میخواهم زنی مثل تو پیدا کنم مگر دختر در دنیا قحط است!

دزدی!

روزی دانی کی بغانه شخص ثروتمندی رفته و بعد از سلام گفت آقای معترم بنده لنگه دستکش شما را پیدا کرده ام!

مرد جواب داد خیلی متشکرم چه خدمتی میتوانم بشما بکنم؟ دانی کی فوراً گفت - هیچ، لنگه دیگر آنرا مزحمت کنید

نامزد معروف!

جری لوئیز، که بتازگی

برداشته و نفس راحت میکشند. ری میلاند عیب... فرزندش ماچه میزند؟ باب هوب: سوت کارخانه را!

ضعف میکروب!

روزی معزون در سلامانی پرسید: آقا چرا شما تیغهها را ضد عفونی نمیکنید؟ سلامانی: احتیاج ندارد. چون من آنقدر تیغ دامعکم روی چرم میکشم که همه میکروبها کشته میشوند!



از حقههای جدید گارسونهای سینما برای فروش «ساندویچ!» در موقع نمایش فیلم!

در تئاتر

روزی مجید محسنی هنرمند محبوب با اتفاق همسرش به تئاتر رفته بودند خانم محسنی از مجید پرسید: راستی مگر از سخنان شیرین (تفکری) که همه را بخنده انداخته است لذتی بنو دست نداده است؟ مجید محسنی: چرا! ولی چون از او متنفرم! دوخانه خواهم خندید!

اسب نر!

(دبورا کار) ستاره زیبا که اکنون در انگلستان میباشد روزی بتماشای باغ وحش لندن رفته بود از نگهبان پرسید: این اسب آبی نر است یا ماده؟ نگهبان جواب داد: خانم گمان نمیکنم دانستن این موضوع برای شما فایده داشته باشد زیرا فقط يك اسب آبی دیگر ممکن است بدانستن آن علاقه داشته باشد!

باز هم ازدواج هالیوودی!

هنرپیشه معروفی با يك ستاره سینما ازدواج کرد. پس از سه ماه طفلی متولد شد یکی از رفقایش متمعجانه باو گفت: چطور باین زودی زوجهات زاید و طفل نه ماهه، سه ماهه متولد شد. هنرپیشه مزبور جواب داد: تقصیر طفل نیست که زود بدنیا آمد بلکه تقصیر من است که دیر داماد شدم!

مضحک قلمی!

نامزد کرده بود رو برقیش (دین مارتین) کرده گفت: نامزد جدید من بایزر گترین خانوادههای این شهر مربوط است. دین مارتین با کمال تعجب پرسید - حقیقت میفرمائید؟ جری لوئیز با لبخند تمسخر آمیزی گفت: البته... نامزد من تلفونچی است!

حساب!

(بود آبوت) و (او کاستلو) با هم گفتگو می نمودند (بود آبوت) گفت او اگر من يك متر پارچه از يك مغازه و دو متر از مغازه دیگر و پنج متر از مغازه سوم بردارم رو بهم رفته چه خواهم داشت؟ لو کاستلو بلا درنگ جواب داد

قطعا دو ماه زندان!

مست!

یکی از ستارههای زیبای ایتالیارا پلیس بجهت بد مستی او جلب و بکلانتری برد. سر کلانتر از او پرسید اسم شما چیست؟ ستاره مزبور جواب داد: خانم التونورا - روسی در او گو، سر کلانتر گفت: شما آزاد هستید. زیرا اگر مست بودید هرگز اسم باین درازی یادتان نمی ماند!

موسیقیدان!

ری میلاند: فرزند من آلات موسیقی را خوب مینوازد و هر وقت ویلون بدست بگیرد همه با شادی باو مینگرند. باب هوب: فرزند من وقتی میزند هزاران نفر از شغل و کار خود دست



هنگامیکه يك کارگردان زن، فیلم «سندی» تهیه میکند!

مختصری راجع به ...

(بقیه از صفحه ۱۰)

فیلمهای هفتی (نامه) و (مفری) و فیلمهای قهرمانی (مفیس بل) و فیلمهای کمدی و خنده آور (میو بو کر) و (رنک بریده) خاطره خوشی در ذهن مردم باقی گذاردند و بملاوه فیلمهای اجتماعی و اخلاقی نظیر (یامرک و زندگی) و (وارنه) و بالاخره در همین چندماهه اخیر فیلم (مکانی در آفتاب) از بدو پیدایش سینمای ناطق تابامروز در استودیوی (پارامونت) تهیه گردیدند.

هنریشگان مشهور

کارکنان کارخانه « پارامونت » هنگامیکه اولین بار در امریکا شروع بکار نمودند بواسطه احتیاج و علاقه مردم نسبت بکلیه فیلمها، هنریشگان معروفی چون (امیل یانینکس) و (ریچارد دیکس) و (هلن هایز) و (آلن هیل) را استخدام نموده و در فیلمهای کوتاه و صامت آنها را هرکت دادند.

این استودیو علاوه بر بیشتر صنعت سینما باعث پیدایش ستارگان و هنریشگان هنرمند و مشهوری چون لیزابت اسکات و ورنر استرلینک و ویلیام بندیکس و الینور بارکر و روندا فلینک و جون فوتین و کورین کالوت و بنیک کرازی و روزمری کلونی و پولت گدارد و آلن لند و جری لویز و دین مارتین و ری میلاند و اودری هیورن و وان هفلین و باب هوب و بتی هوتن و چارلتون هستون و ویلیام هولدن و وندل کوری و آلن بانک و ماریون مارشال و ویلیام دیمارست و مری مورفی و ماکی مک نامارا و عده زیاد دیگری نیز گردید.

تهیه کنندگان و کارگردانان مستقل

ویلیام وایلر، بیلی وایلدر، سبیل ب. دومیل، هال وایس، دانیل مان، چارلز ویدور، جورج مارشال، جورج استیونس، ملوین فرانک، ادوارد لودنیک، لویز فوستر، هال واکر، پل جونس، ویلیام توماس، نرمان پاناما.

فیلمهای جدید

سابرینا (اودری هیورن و ویلیام هولدن) کریسمس سفید (دنی کی وینیک کرازی) پنجره هفتی (جیمز استوارت و کریس کلی) بله های تو کوری (ویلیام هولدن و کریس کلی) فرماندهی ستاد هوایی (جیمز استوارت و جون آلیسون) علامت دود (چارلتون هستون و دانا آندروز) ضربه بچوب (دنی کی و می بترز لینک) شیاطین دوست داشتنی (ویلیام هولدن و دیبورا کلا) سیرک سه حلقه ای (دین مارتین و جوی لویز) لوسی کالات (جین وایس و چارلتون

رپورتاژ اولین فستیوال

(بقیه از صفحه ۹)

و همانطور که در اول عرض رساندم باز هم میگویم در انجام کلایپر مسئولیت و مقدسی که بعهده گرفته اید مصمم و پایدار بوده و واهمه و ترسی نداشته باشید و مطمئن باشید که نیروی همه ما پشتیبان شماست و بدین ترتیب جشن کلرپزان کنگره سینمایی ایران تا شروع جشن اعلام نتیجه پایان یافت.

اطلام خطر...

(بقیه از صفحه ۴)

برای مدارس و انجمن های فرهنگی مورد استفاده قرار میگیرد.

(۴) هر سینمایی باید دست کم ۲ فیلم ایرانی در سال نمایش بدهد.

(۵) سینماها باید در عوض ۵ درصد درآمد ۶۰ درصد درآمد خود را برای نمایش فیلمهای ایرانی بدهند.

(۶) بلیطهای سینما باید به قیمتهای قبلی تنزل داده شود تا سینما روندگان استطاعت خرید آنها داشته باشند.

مسائل فوق از همه جنبه های شایان توجه میباشد و امید است که مجلس این موضوع را در دستور اولین جلسه خود قرار دهد تا روی آن تصمیم قطعی اتخاذ شود و این تصمیم بدون شك ارزش تاریخی خواهد داشت که نتیجه آن چند سال بعد معلوم خواهد شد. چنانچه هر آینه باین امر توجهی نشود شرکت های فیلمبرداری یکی پس از دیگری شروع به تعطیل خواهند نمود که هم اکنون آنها آن هویداست و طولی نخواهد کشید که تهیه فیلم فارسی بکلی متروک خواهد شد.

هستون) در جستجوی پناهگاه (جیمز کاکس و دیو کالیند فورس) روز تاتو (برت لنکستر و آنا مانیانی) ده فرمان (چارلتون هستون و آن باکستر) مقلد دربار (دنی کی و گلینس جوئر).

فیلمهای این استودیو سابقا بقدر کسی دو سینما ایران نمایش داده میشدولی قرار است سینماهای ها و رویال که بنادکی قرارداد هالی منفذ نموده اند محصولات خوب و جدید آنها بر عرض تماشا بگذارند.

حقایقی که برای اولین

(بقیه از صفحه ۱۳)

و تانیا چنانچه فیلم از اعجاز دیگری خوب و جالب باشد تماشاچیان بخاطر همین « هنریشگان » از فیلم روی میگردانند.

جدروعد امسال!

در ظرف سال گذشته عده ای هنریشه جدید سینمای ایران راه یافتند و در مقابل آنها عده ای از هنریشگان سابق شهرت خود را از دست دادند و با اینکه بکلی از کادر سینما بیرون رفتند در میان آنها نوح پناهی شهرت بی نظیری در سراسر کشور بدست آورد و با اینکه تا سال گذشته بکلی گننام بود مهربانانست یا بازی در دو فیلم « دختری از شیراز » و « ماجرای زندگی » بیشترت قابل توجهی ناکسل آید. سال گذشته وی توانست لقب « محبوبترین هنریش ایرانی » را بدست آورد و جزو میهن دبییم یا اینکه در « فرانسوم » یکی از مجلات، درجه پنجم را بدست آورده ولی از لحظه نظر بازی مخصوصا در فیلم « پایان رنجها بواسطه بازی خوب، کلیه رقبای خود را شکست داد و برهه پیروز شد خانم آزاده که آتیه درخشانی در پیش دارد با بازی در فیلم « پایان رنجها » موفقیت زیادی کسب نمود و در ردیف هنریشگان زن، موبه خوبی را بدست آورد ولی در مقابل آردین بواسطه بازی در فیلمهای (خلی) و (داهن) از کادر فیلمهای ایرانی خارج شد. در میان هنریشه های مرده آرمان و مهدوی موفقیت زیادی کسب کردند و مخصوصا مهدوی با اینکه فقط فیلم (شبهای تهران) را از او تاکنون نمایش داده اند ولی با همین یک فیلم شهرت زیادی کسب کرده است و علاوه بر بازی در فیلمهای (درد بند) و (غروب عشق) اخیرا قراردادای با یکی از کارخانه های مصری منعقد نموده تا با (فاتن حمامه) هنریشه زیبای مصری در یک فیلم مصری شرکت نماید. آرمان نیز با وجود این که در فیلمهای (بازگشت) و (دختری از شیراز) رلهای عده ای را ایفا کرد مهربان بازی خوب او در نقش سلیم در فیلم « چهار راه حوادث » موفقیت زیادی نصیب او نمود منوجه زمانی نیز با بازی در فیلم (پایان رنجها) در ردیف هنریشگان خوب مسرد قرار گرفت و با استمدادی که در او سراغ دادیم آتیه خوبی را در آینده جنونیک هنریشه مرد ایرانی بدست خواهد آورد.

دومین فستیوال

جریان متروح فستیوال بسزنی فیلمهای خارجی کنگره سینمای ایران که ماهکاری سینما کریستال از هفت آینه در سینمای مزبور بر گذار خواهد شد در شماره آینده اعلام خواهد گردید.

روبرت اکهارت



اخيراً کشور انگلستان از لحاظ تهیه فیلم‌های قدیمی‌تری برداشته و در مقابل ترقی صنعت سینمای آمریکا و ایتالیا که مرتباً به‌طور میروند اظهار عجز ننموده و بتجدید نظر دو تهیه فیلمها برداشته است بقسمی که اکنون محصولات جدیدی بی‌ازهرضه مینماید که از هر لحاظ با فیلمهای ساخت کشورهای فوق برابری می‌کند. صنعت سینمای انگلستان از دیر بساز در میان محصولات کشور های مختلف جلب نظر نموده و فیلمهایی از قبیل (یتیم) (بی بی پیک) هنوز از خاطره مردم دنیا فراموش نشده است. در ایران نیز چون سینماهای تهران اخیراً از محصولات خوب سینمای انگلستان فیلمهایی وارد کرده و به‌مرض نمایش می‌گذارند فیلمهای انگلیسی طرفداران زیادی پیدا نموده است.

فیلمی که در این هفته بخوانند کسان گرامی معرفی می‌شود (پایان یک حادثه) نام دارد که در ماه گذشته تهیه آن پایان رسیده و توسط کمپانی کلمبیا در آمریکا به‌مرض نمایش گذاشته شده است.

کارگردان فیلم (ادوارد دیتریک) می‌باشد که آنرا در استودیوی انگلیسی (لندن فیلم) تهیه کرده است. مدت‌ها بود

که تهیه کننده بدنبال هنریشگانی می

«موریک» در يك شب نشینی عاشق «سارا» میشود

گشت که تپ شخصیت‌های فیلم و از تمام لحاظ دارا باشند تا اینکه پس از دیدن فیلم را مطالعه کرده بود قبولی خود را اعلام و در اولین فرصت بصوب انگلستان حرکت کرد.

(پایان یک حادثه)

THE END OF THE AFFAIR

یک فیلم درام اجتماعی که از مقاومت یک زن شوهر دار در مقابل یک عشق سوزان و بی حاصل حکایت می‌نماید

وان جانسون از هنریشگان قدیمی سینما

میباشد و تا سال ۱۹۴۵ شهرت بی‌مانندی پیدا کرده بود ولی از آنسال بی‌مقدم کم از معروفیتش کاسته شد بطوری که در سال ۱۹۵۱ رلهای دوم و سوم را در فیلمها ایفا مینمود و از جمله می‌توان فیلم (ماجرای کشتی پلیوت) را نام برد که در سال ۱۹۵۲ توسط کمپانی مترو گلدوین مایر با شرکت (امپرس تراسی) و (جین تیرنی) تهیه شده بود. ولی بعد از شرکت در فیلم (شورش دو کشتی کین) دوباره شهرت از دست رفته را بازیافت و در این فیلم در رل عاشق (دبورا تار) هنر نمایی کرده است. ستاره زن این فیلم (دبورا کار) می‌باشد که اصلاً انگلیسی است و در سابق در فیلمهای ساخت انگلستان شرکت می‌کرد ولی در سال ۱۹۵۰ توسط کمپانی مترو گلدوین مایر دعوت شد و در فیلمهای مشهوری چون (هوسهای امپراطور)، (زندانی زندان) و (بس جوان) شرکت نمود. داستان فیلم را (گراهام گرین) نویسنده معروف انگلیسی نوشته و شخصاً بصورت سناریو در آورده است. سایر هنریشگان فیلم عبارتند از (بقیه در صفحه ۲۶)



«هنری» پس از اطلاع از رابطه زنش با «موریک» او را از اینکار منع مینماید

آقای روبرت آبراهامیان

۱- هنرپیشه مرد قلم (در راه آرژانتین) (دون آمج) نامداشت ۲- نام سردو کلاس فرینکس هم (دو کلاس فرینکس) میباشد. ۳- هنرپیشگان فیلم (برای که زنکها صدا در می آید) نیز عبارت بودند از گاری- کوپر- اینگرید برگمن- آکیم تامیروف.

آقای م. خطیر

۱- ماهم مثل شما به (کرک دو کلاس) و (دانی کی) احترام می گذاریم و البته عکس آنها را نیز فراموش نخواهیم کرد ۲- شماره ۲۶ هم اولین شماره سال دوم مجله محسوب میشود.

آقای هوشنگ شمس

ملک مطیعی سر باز وظیفه نیست و به سلامتی تا چند ماه دیگر بعنوان افسر ارتش خدمت خود را بی پایان خواهد رسانید و بنابر این تصدیق می فرمائید که گذاشتن موی بلند برای یک افسر مانعی نخواهد داشت.

آقای خداداد طلوعی - اهواز

۱- فیلم (خرقه) امریکائی و فیلم (سنل) ایتالیائی است و بنا بر این اشتباه شما حاکی از یک سوء تفاهم است ۲- نام

فیلمها یا بنام داستان اصلی یا با دادن تفسیراتی به پیل تهیه کننده انتخاب میشود.

۳- هنرپیشگان فیلم (فریدون بینوا) عبارت بودند از (جینولا اورینی) و (لئونورا و فو) ۴- (ناغدای چور) نیز محصول سال ۱۹۴۰ بود.

آقای هروس عابدیان

۱- شرح حال (مارلون براندو) را در شمارهای گذشته نوشته ایم. ۲- از (مریلین مونرو) فیلمهای (تنهامسافر قطار) و (المانس شوم) را در ایران نمایش داده اند.

آقای جهانبخش سینائی

۱- هیچ نیروی نباید مانع ابراز شخصیت شما گردد ۲- ضرر و یا منفعت سینما بستگی باین دارد که شما بچه منظوری بسینما میروید ۳- خوش آمدن و یا بد آمدن مردم از فیلمها بستگی بسلیقه و شرایط زمانی و مکانی تماشاچی دارد.

آقای عباس مسیح پور

۱- فیلم (هدیان) محصول ایتالیا، (لو کرس بورژیا) محصول ایتالیا - فرانسه و (اسکروج) محصول انگلستان بود ۲- هنرپیشگان فیلم (سه جوان مرد) بجز (مارک لاورنس) بقیه از بین هنرپیشگان گمنام ایتالیا انتخاب شده بودند.

آقای کاظم معرناوی - اهواز

۱- هنرپیشه فیلم هندی (اسکندر) مدتی است بهال نشسته شده و بهمین جهت تقاضا کرده از افشای نامش خودداری کنیم! ۲- عکس و شرح حال (ویتوریو گاسمن) را در شماره های گذشته نوشته ایم ۳- شرایط ورود بهنرستان هنرپیشگی را در شماره آینده در طسی رپورتاژی بعرض شما خواهیم رساند.

آقای کاظم مهر بان

بخطرات شما از استودیوی تهیه کننده فیلم «فرشته صحرا» خواستیم که نام ندیده «دختر» فیلم فوق الذکر را برای ما بنویسد و در ضمن بگوید که خودش در این فیلم آواز خوانده و یادگیری خواننده و اوقفت لبش را تکان داده است.

آقای رضا ماهیگیر

از اینکه عکس زیبایی خودتان را همراه تبریک عید برای ما فرستاده اید فوق العاده متشکریم و امیدواریم که مجله را روز بروز زیباتر و جامتر منتشر سازیم

آقای احمد هاشمیان

۱- کارگردان فیلم کجا میروی؟

دوشیزه زهره

۱- در مقابل گریگوری پک را در فیلم «آسان زرد» (آن باکستر) بعبه داشت ۲- بهترین فیلم «نونی کرتیس» نیز (برنس دزد) می باشد ۳- صحنه نبرد با گاو وحشی نیز در فیلم (کجا میروی) حقیقت دارد ۴- هنرمندترین رفاصه هم در حال حاضر (لودمیلا چرینا) نامداره.

آقای یداله پناهی

۱- (چارلی چاپلین) نامدتها بعد از بوجود آمدن فیلمهای ناطق عقیده داشت تا آنجا که بازی هنرپیشه میتواند موضوع فیلم را بیان کند احتیاجی بعرف زدن نیست ولی طولی نکشید که دست از این عقیده خود برداشت و فیلمهای ببدی او ناطق می باشند ۲- از (سیلوانا پامپانی) فیلم (اسیران سفید) او در ایران وجود دارد ۳- قسمت انتقاد مجله را نیز بسزودی اضافه خواهیم کرد.

آقای محمد علی اقدامی - مشهد

۱- علت دیر رسیدن مجله بشهده به کردن پستخانه مبارک است ۲- (سیلوانا منگانو) نیز بخطرات شما دیگر در فیلم



غم ناک بازی نخواهد کرد!

آقای علی تهرانی

سامیه جمال بر حسب «مقتضیات» هر روز درجائی بسر میبرد و آدرس فعلی او در دست مایست که برای شما ارسال داریم!

آقای حسن فارسیان - مشهد

۱- نیندائیم روی چه اصلی برای شما سوء تفاهم ایجاد شده که (رود کامرون) و «راندلف سکاٹ» را برادر یکدیگر خوانده اید ولی در هر صورت این دو هنرپیشه نه تنها برادر نیستند بلکه کوچکترین رابطه ای هم با یکدیگر ندارند ۲- این دیگر سوال ندارد زیرا واضح است که (ارول فلین) بخطرات (جینالولو بریجیدا) بایتالیا رفته است ۳- فیلم «مصری» را فلادور کشور امریکانمایش میدهند ۴- از خانواده «بوت لنکستر» نیز تاکنون عکس دسته جمعی برداشته نشده تا آنرا بشما تقدیم نماییم!

آقای ادوارد ساناساریان

۱- شرح حال «وابرت تیلور» را خواهیم نوشت ۲- حریق فیلم کجا میروی؟ حقیقی و بوسیله (تروکاز) برداشته شده است. ۳- (جیمز میسون) از اهالی انگلستان می باشد و امیدواریم موقمی که شرط را بر دیده قسمت ما را نیز فراموش نفرمائید!

(لیومک کری) نامداشت ۲- بهای اشتراک مجله ما نیز ۱۵۰ ریال می باشد ۳- فیلم خانه مومی داهم سینما کس بزودی نمایش خواهد داد.

آقای منوچهر شهابی

۱- عکس هنرپیشه ای که برای ما ارسال داشته اید (رون دافلینک) نام دارد و عکس مزبور مربوط بفیلم (مارنیل) می باشد که هنوز بایران نیامده است و در ضمن (رون دا) در این فیلم نقش کلویا تر را بعهده دارد.

آقای حسن شهر پور مقدم

۱- مگر نیندائید که در شرح اسلام دانستن نام زن دیگران جزو گناهان کبیره محسوب میشود ۲- تاریخ نمایش (ودا کروژ) نیز با خداست ۳- فیلم (جنگل اسفالت شده) مرلین مونرو را هم بزودی نمایش خواهند داد ۴- گاری کوپر نیز آفته و مشهور است که شرح حال وی دیگر زانده بنظر میرسد.

آقای نعمت اله پوستین دوز

۱- از تبریک شما متشکریم ۲- کویا آدرس هنرستان ایشان، سرچشمه باغد

این صحنه مربوط به کدام فیلم میباشد؟



صحنه ای را که در بالا ملاحظه می فرمایید مربوط به یکی از شاهکارهای عالم سینما میباشد که چندی پیش نیز در تهران نمایش داده شد و با استقبال بی نظیر مردم مواجه گشت. هنرپیشه هنرمند آن نیز بسا ایفای رول یک آوازه خوان افسانه شهرت جهانی کسب نمود و اکنون در سراسر دنیا هوا خواهان زیادی دارد. شما نیز حتما او را میشناسید و فیلم مزبور را نیز مسلما دیده اید در صورتی که توانستید نام فیلم و هنرپیشگان اول آن را بخاطر بیاورید همراه با دوریال تمیز باطل نشده برای ارسال دارید تا ما نیز در مقابل شش هائزه یکماهه مجله بحکم قرعه شما تقدیم نمایم.

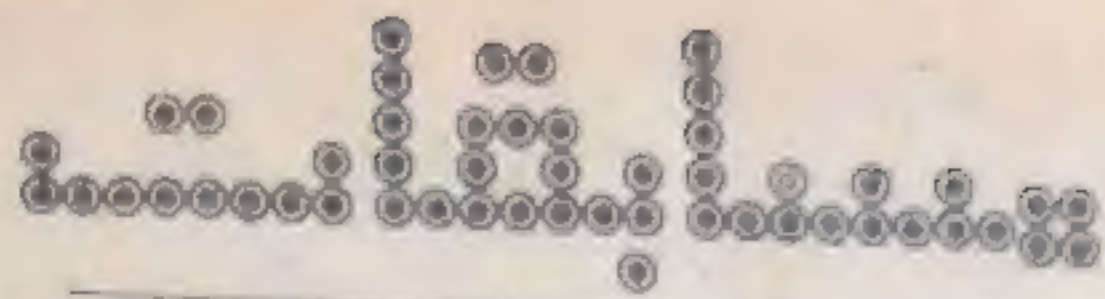
برندگان مسابقه این صحنه مربوط به کدام فیلم است (شماره ۲۶)

- ۱ - آقای مجید - سودآورد (تهران)
 - ۲ - منوچهر احمدی (تهران)
 - ۳ - حمید قره گزلو (تبریز)
 - ۴ - دوشیزه ۴ - رهنوردی (تهران)
 - ۵ - دوشیزه ۵ - مامنصوری (رضایه)
 - ۶ - آقای واهان میناسیان (تهران)
- پاسخ صحیح : مرد آرام

معلومات سینمایی خود را بیازمائید

- ۱ - کارگردان فیلم مشهور (طلسم شده) چه نام داشت ؟
- ۲ - در فیلم (زندگی دوزخی) کدام هنرپیشگان شرکت داشتند ؟
- ۳ - استرو بلیامز در چه سالی متولد شده ؟
- ۴ - ویلیام هولدن برای بازی در کدام فیلم جایزه اسکار گرفت ؟
- ۵ - سه زوج مشهور سینمایی را نام

ببرید



صنعت سینمای کدام کشور را میپسندید و بچه دلیل ؟

پاسخ های رسیده بتوبت چاپ خواهد شد مدت این مسابقه دوازده شماره است

جواب دوم

ایتالیا

در حال حاضر سینمای ایتالیا مترقی تر از ممالک دیگر میباشد زیرا پیشروان صنعت سینمای ایتالیا راه و روشی را که سینما میتواند بجامعه خدمت کند پیدا نموده و با ابداع سبک نئورئالیزم و نشان دادن حقایق زندگی بزرگترین درس اخلاق و تربیت را به مردم جهان می آموزند. اداره کنندگان سینمای ایتالیا بسا نشان دادن زندگی واقعی مردم، خدمت بزرگی به تعلیم و تربیت جامعه نموده و تا آنجا که توانسته اند از جنبه تجارتنی فیلم صرف نظر کرده و هدفشان بیشتر نشان دادن راه زندگی و رفع عیوب اجتماعی و فردی میباشد. هر چند هالیوود مرکز و پایتخت سینمای دنیا محسوب میگردد ولی اکثر محصولاتش جز فیلمهای مبتذل و تجارتنی چیز دیگری نیست و بندرت آثار برجسته و فراموش نشدنی بوجود می آورد. آیا دیدن یک فیلم تمام رنگی و پر تجمل و سراسر عشق بازی بجز تفریح آبی، اثری در روح انسان میگذارد؟ مسلما جواب منفی است ولی تماشای فیلمی که حقایق زندگی را بیان کرده و هوب و انحرافات بشر را بنمایاند اثری هبیب در روح انسان بجای میگذارد که بشر متفکر، بی اراده، بفکر اصلاح خود و اجتماع می افتد. دلیل قاطع این ادعا گرمی بازار فیلمهای ایتالیایی بسا نشان دادن چند فیلم متوسط در ایران میباشد و اگر روزی فیلمهایی را که بسبب نئورئالیزم در ایتالیا تهیه شده در ایران به عرض نمایش بگذارند، اکثر هموطنان تصدیق خواهند نمود که سینمای ایتالیا بیش از ممالک دیگر در راه پیشرفت تعلیم و تربیت جامعه گام برداشته و سعی مینماید که حقایق تلخ و شیرین زندگی را بی پروا بیان کند.

مهدی معین پور (تهران)

پاسخ معلومات سینمایی شماره قبل

- ۱ - ویویان لی - کاری کوپر -
- فرد ریک مارچ ۲ - نیک کراوات ۳ -
- الباکلان ۴ - ولگرد دریا ۵ - پارامونت

شرکت کنندگان در مسابقات توجه نمایند

مسئول صفحه مسابقات مجله ستاره سینما از شرکت کنندگان محترم تقاضا دارد برای تسهیل بیشتری در کار مربوطه، نکات زیر را کاملا مراعات نمایند:

- ۱ - روی پاکت جمله «دائرة مسابقات» را فراموش نکنند.
 - ۲ - برای هر مسابقه دوریال تمیز باطل نشده در داخل پاکت - نه روی آن - همراه با پاسخ آن با درس مجله ارسال دارند.
 - ۳ - پاسخ هر مسابقه سه شماره بعد اعلام خواهد شد.
 - ۴ - هر مسابقه دارای شش جایزه یکماهه « ستاره سینما » میباشد.
- ضمنا قوانین فوق در مورد مسابقات دائمی مجله دارای حالت استثنائی است که در زیر همان مسابقه فید شده است.

پایان یک حادثه

(بقیه از صفحه ۲۴)

(جان میلز)، (استیفن موری) و (جوئیس کری) که همه از هنرپیشگان معروف انگلیسی می باشند مدت امایش فیلم نیز ۱۰۷ دقیقه می باشد.

داستان فیلم

در یک شب نشینی، موری یک بندریکس (وان جانسون) بازن و شوهر جوانی آشنائی حاصل می کند و در همان ملاقات اول عاشق خانم سارا (دبورا کار) می گردد و سپس این آشنائی دنباله پیدا کرده موریک و سارا مرتباً در خفا همدیگر را ملاقات می نمودند و چون سارا شوهر داشته و از طرفی آینده این عشق را تاریک میدید برای حفظ آبرو و ناموس خود از عشق موریک احتراز جسته و مدتی در خانه بیلاقی خود در خارج شهر لندن مغلغ می شود.

موریک چون سارا را از صمیم قلب دوست داشت توسط یک کار آگاه بعمل او اطلاع می یابد ولی ...



پایان رنجها

دومین محصول

رقابت ناپذیر

استودیو

((ایران فیلم))

استودیو ایران فیلم افتخار دارد که دومین محصول تماشائی و بی نظیر خود را بهم میهنان خود هدیه میکند و یقین دارد که با نمایش فیلم «پایان رنجها» اثر رقابت ناپذیر دیگری بروی پرده می آورد. استودیو ایران فیلم همانطور که با تهیه فیلم «ولگرد» تحول بزرگی در صنعت سینمای ایران بوجود آورد با فیلم «پایان رنجها» ثابت خواهد کرد که میتوان برای پیشرفت فرهنگ و هنر، کوششهای تحسین انگیزی بعمل آورد و کار مثبت و پیر ارزشی انجام داد.

پایان رنجها، تنها يك اثر ممتاز سینمایی نیست، بلکه هر کس با تماشای این فیلم خواهد دانست که اجتماع ما بر چه مدار میگردد و چگونه باید با سیاهکاریها و فسادها و معایب بمبارزه برخاست. فیلم «پایان رنجها» خاطره در شما باقی خواهد گذاشت که هرگز آنرا از یاد نخواهید برد.

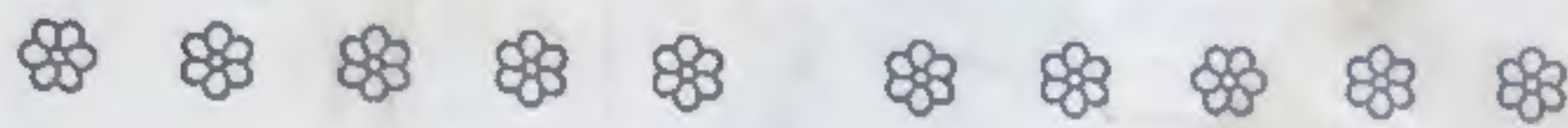
این فیلم جزء پنج فیلمی بود که در فستیوال کنگره سینمایی ایران شرکت نموده و بکسب امتیازاتی نائل آمد



بزودی

بزودی

سینما کریستال - سینما مایاک

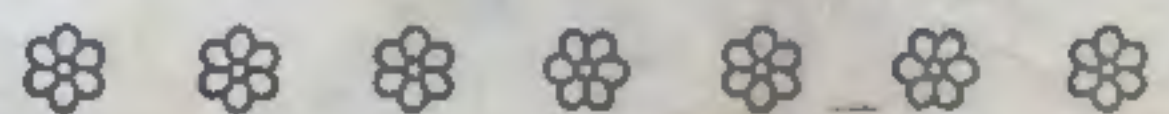


نمایش دهنده بهترین فیلمها

بزرگترین و عالی ترین شاهکار

صنعت سینمای شوروی را تقدیم

دوستان سینما مینماید



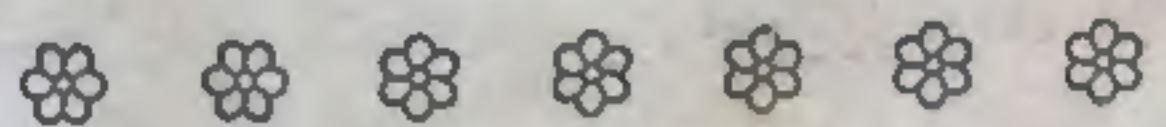
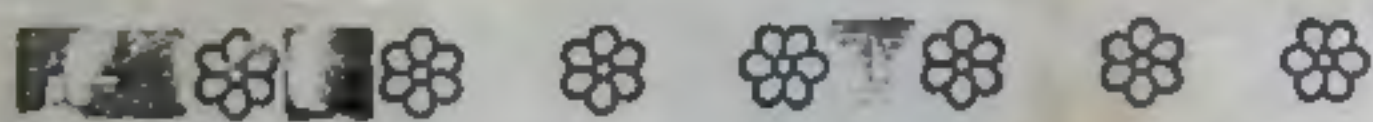
فیلم تمام

رنگی



اسکندر

بیک



از جمله قوی ترین و بهترین آثار سینمایی

است که در سال ۱۳۳۴ در تهران نمایش

داده خواهد شد

این فیلم در فستیوال کان در سال

۱۹۵۲ موفق بدریافت جایزه شده است